



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز چهارشنبه (اول) دیماه ۱۳۵۰

فهرست مطالب

- ۳- تقدیم يك فقره تلگراف بوسیله آقای نیکروش .
 ۴- ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع بلايحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور .
 ۵- تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه .

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 ۲- ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور .

مجلس ساعت نه صبح بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

دکتر پرتو اعظم - پرویزی - سپیان - مهندس جلالی نوری
 دکتر حاتم - نارویی - بانودکتر دولتشاهی - دیبیم - خانم زاهدی - تیمسار همایونی - خانلر قراچورلو - دکتر یگانگی سید کاظم مسعودی - دکتر مشایخی - عبدالمجید موسوی
 دکتر مدنی - پروین - قدردان .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان :

اخلاقی - عبدالحسین آموزگار - خانم آصف زاده
 ایلخانی پور - بختیارها - مهندس بدیعی - دکتر حبیب بهبهانی - دکتر جزایری - حق شناس - دکتر خطیبی - ذوالفقاری - رشیدی - خانم دکتر سرخوش - سمیعی - شاخوئی - شیخ بهائی - طباطبائی دیا - دکتر عظیمی - غضنفری - دکتر غنی - فروتن - دکتر فروزین - فیصلی
 دکتر کفائی - کمالاتی - دکتر کیان - دکتر لقمان ادهم
 مظاهری - دکتر فضل الله صدر - مهندس احتشام شهیدی کشفی .

۲- ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشود کلیات لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور مطرح است آقای فرهادپور تشریف بیاورید .

فرهاد پور - بنده وظیفه دارم از حوصله و عنایت

مقام ریاست همچنین همکاران محترم تشکر بکنم که به عرایض دیشب من گوش کردند و امروز هم بضرورت انجام وظیفه مصدع اوقات شریفشان خواهم بود امیدوارم توفیق این را داشته باشم که در بیان عرایض نکاتی باشد

غائبین مریض - آقایان :

دکتر اسکوتیان - خانم اقبال - بختیاری پور - بدرخانی - دکتر یحیی بهبهانی - مهندس عنایت بهبهانی

که ارزش این تصدیع را داشته باشد دیروز در اینجا از وزارت کار، قانون کار، وظیفه این وزارتخانه سابقه وزارت کار و توجه و عنایت شاهانه طبقه کارگر و اختصاص يك اصل مهم از اصول انقلاب ایران بنام سهام شدن کارگران اشاره کردم دوست و همکار عزیز من جناب نامور در بیان وظایف وزارت کار و راهنمایی و ارشاد این وزارتخانه از صفات شخصی وزیر کار توصیف کردند منم تأیید میکنم فراکسیون ما هم با این فکر و بیان ایشان همگام است وزیر کار جوان است تحصیل کرده است نجیب است محبوب است حتی وقتی میگویند پول هست و زمین هست و کارگر بی خانه است از خجالت سرخ میشود این يك صفاتی است که ما هم قبول داریم اما بهیچوجه من الوجوه این قضاوت کافی برای آن نیست که مامعتقد باشیم وزارت کار بخصوص در این برهه از زمان در این مدتیکه کشور ما از حالت عقب افتادگی فلاحی بيك دوره صنعتی مشتعع پا گذاشته در این دوره که حتی کار کشاورزی هم جنبه صنعتی پیدا کرده باین دوره ای که بنا بفرموده و گفته رفیق عزیز من ضرورت ایجاد واحدهای صنعتی در کنار قطبهای کشاورزی برای مملکت ما واجب و لازم احساس میشود وظیفه وزارت کار وظیفه بسیار سنگینی است و وزارت کار در حقیقت راهنما، ارشاد کننده و حافظ حقوق حقه کارگران است و باید بنام معنی با اجرای صحیح قوانین کار و اصل سهام شدن کارگران آن حسن رابطه لازم و منطقی را بین کارگر و کارفرما بوجود بیاورد و حسن رابطه بین کارگر و کارفرما در شرایطی بوجود میآید که حقوق کارگر محفوظ باشد کارفرما شرایط قانونی را رعایت نکند سودجویی و منفعت طلبی و جلوی پای خود بینی مانع از تحصیل حقوق کارگر نباشد باصل فلسفه انقلاب سفید ایران درباره سهم کردن کارگران توجه دقیق داشته باشد آقایان این اصل مترقی ترین اصول و مؤثر ترین عامل در افزایش تولید در تأمین منفعت بیشتر برای کارفرما و در تأمین حقوق حقه طبقه کارگر است این مترقی ترین قوانین برای اثبات اصالت رژیم اقتصادی صنعتی ماست که وقتی کارگر در سود کارخانه در نتیجه کار سهم و شریک بود بطور قطع و یقین

برای افزایش تولید برای جلوگیری از ضایعات برای جلوگیری از کسر کار و حتی برای بالا بردن کیفیت تولید کوشش میکند بنده روزی در همین زمینه عرض کردم حتی از نظر تبلیغاتی هم برای کارفرما مؤثر است شما ملاحظه کنید کارگران يك کارخانه روغن کشتی هر کدام اگر در يك محله بگویند آنچه ما میسازیم و بخورد مردم میدهم خودمان نمیخوریم این تمام تبلیغات این کارخانه را باطل میکند پس رضایت کارگر موجب بالا بردن کیفیت و کمیت تولید موجب منفعت مملکت موجب منفعت کارفرما و موجب تأمین منفعت برای خود کارگر است من از شما سؤال میکنم دو سال پیش اینجا مطرح کردم وزارت کار در سهام کردن کارگران معادن مملکت در سود این کارگاه که صرفاً عملی و بازو است تا حالا چه کرده چه توفیقی پیدا کرده؟ خیلی متأسفم در شرایطی این مطالب را عنوان میکنم که نه وزیر محترم کار نه وزیر محبوب کار و نه معاون عزیز وزارت کار که از دوستان محترم خود ما و از همکاران دوره قبل ماست تشریف ندارند امیدوارم این صورت مذاکرات را با توجه بهمان احساس و علاقه و نیت باطنی که من عرض می کنم چون بهیچ وجه قصد عیب جوئی ندارم ما اقلیت سازنده ای هستیم و دلمان میخواهد که باین مطالب راهنما باشیم کسر کارها را اگر شزد کنیم گوش شنوای وجدان بیدار دوستان اکثریتی ما برعکس واقعی ما آشنا بشود و آشنا باشد و این نظارت را تذکر بدهند بیان و تذکر این مطلب بهیچ وجه عنوان دشمنی ندارد از صفات شخصی ایشان هم تعریف کردیم باز هم میکنیم اما این را نباید اینجا بگویند که اقلیت از همه وزراء تعریف کرد برای ما نتیجه کار برای مملکت است که بحساب میآید و ملاک قضاوت ما است دوستها با افراد صفات مشخصه افراد خوبی هایشان را در اینجا میگوئیم نه از کارشان تا شما اینجا اتخاذ سند بکنید وزارت کار در طبقه بندی مشاغل بعد از ۲۵ سال از تأسیس این وزارتخانه و بعد از قریب ۱۰ سال از انقلاب سفید ایران و بعد از ۸ سال از حکومت مقتدر حزب ایران نوین که این وزارتخانه این شانس را داشته که سالها

وزیرش دبیر کل حزب و معاون سابقش که آشنا بتمام رموز این وزارتخانه است امروز دبیر کل محترم حزب شماست بنظر من بهترین نمونه که شما میتوانید عرضه کنید تغییر وضع و بهبود وضع وزارت کار است بعنوان يك نمونه و استفاده از تخصص هائی که رهبران اکثریت در این رشته داشتند و دارند و استفاده هم میکنند انشاء الله در تشکیل سندیکاها دوست عزیزم آقای پدرامی امروز عین آئین نامه و مقررات تازه ای را ارائه فرمودند مقررات برای طبقه ای که مشمول حالشان است واجب الرعايه است و اگر بصورت قانون در آید مادام که آن قانون بقوت خود باقیست همه بحکم يك اصل کلی ناگزیریم از آن تبعیت کنیم اگر ضرورت اصلاحی داشت باسیر قانونی منطقی اصلاح خواهد شد، همین مقررات و قوانین را وزارت کار باید مثل يك معلم مثل يك مربی بی نظر، بی غرض تعلیم بدهد راهنمایی بکند و تشویق بکند با ایجاد سندیکا و مشکلاتی نکند در ثبت سندیکاهایی که میخواهند بوجود بیاورند بنده شاهد این بوده ام که بعضی از جناح های کارگری کشور ما در رشته های مختلف برای به ثبت رساندن سندیکای خودشان مشکلاتی در پیش داشتند این مشکلات قانونی نبود نظری بود بدلیل اینکه هرگاه شما مراجعه کردند حل شد و هرگاه که بما مراجعه کردند بزرگت حل کردیم قانون کار و بیمه های اجتماعی در سایه عنایت رهبر مملکت شامل حال عموم طبقات کارگر است عین فرمایشات ملوکانه را درباره ضرورت تأمین و تعمیم بیمه برای همه و همه بخصوص طبقه کارگر بکرات ملاحظه و مطالعه کردید و شاید دوستان عزیز کارگر من از این بیانات درخشان که روح تازه ای بکالبد آنها دمیده است آنقدر مستفیض شده باشند که بتوانند عین فرمایشات ملوکانه را از حفظ بازگو کنند کارگر ایرانی امروز مثل سایر طبقات و بیشتر از سایر طبقات يك نقطه اتکاء دارد این نقطه اتکاء رهبر مملکت ماست که باتمام قوا و از صمیم قلب در هر مورد و در هر موقع در جهت تأمین حقوق حقه این طبقه مولد این بازوئی که قدرت محرکه صنعت امروز ما و صنایع آینده ما هستند کمک و عنایت میفرمایند آقایان بيك مطلب عنایت بفرمائید در اجرای

اصل بیمه همه کارگران در بیمه های اجتماعی بعضی از صنوف هستند که کارگرهای صنفی نقضای بیمه شدن دارند، آقای قوام صدوری برای جناب عالی عرض میکنم چون آقای وزیر کار تشریف ندارند جناب آقای دکتر مهدوی تازه تشریف آوردند عنایت بفرمائید يك کارگر ساده ای بمن نوشته که ما بعنایت رهبر مملکت زندگیمان بهیخواهد سر و سامانی بگیرد برای دوره پیری بیمه داشته باشیم برای دوره کار از امکانات بیمه ای بیمه که حالا درباره آنها صحبت خواهم کرد استفاده کنیم این چه اصراری است که وزارت کار این وظیفه را که خود باید انجام بدهد معلق بشکایت ما علیه کارفرما کرده؟ ما دلمان میخواهد در محیط دوستی و دوستانه با حسن رابطه از این حق قانونی برخوردار بشویم بنابراین این وظیفه اصلی را چنین وزارتخانه عریض و طویل بچه دلیل منتظر می شود تا يك کارگر علیه استادش علیه کارفرمایش چون دیگر آن کارفرما را هم اجازه بفرمائید کارفرما نگوئیم يك دکان کفاشی است و يك سرمایه گذاشته اسمش شده صاحب دکان؟ تا کارگر کفاش دارد والله نه باو میشود کارفرما اطلاق کرد نه رابطه آن؟ نفر با آن بکنفرما ما بایستی از حدود اخلاق از حدود روابط انسانی که خوشبختانه هنوز در جامعه ایرانی تحت تعالیم عالی اسلام وجود دارد و مردم باهم با دوستی و خوشی میخواهند رفتار بکنند این را معلق بکنیم باینکه تو حتماً بیا شکایت بکن وقتی شکایت کردی بازرس میفرستیم و بعد این کارگاه را مشمول بیمه های اجتماعی بکنید اینها يك نکات ریزی است ولی همین نکات ریز و عدم توجه به آن کاخ رفیع اخلاق ایرانی را که واقعاً موجب فخر و مباهات مادر میان ملل گیتی است هر روز خدشه ای وارد میکنند عنایت بفرمائید بمأمورین وزارت کار مقرر بدارید بجای مداخله در اموریکه بآنها مربوط نیست در کارهائی دخالت بکنند که قانوناً بعهده آنها محول شده است برای کارگر دوست و ناصح و ارشاد کننده باشند نه قیم و تعیین تکلیف کننده بین کارگر و کارفرما بر اساس حفظ حقوق حقه

کارگران تکرار میکنم بر اساس حفظ حقوق حقه و قانونی کارگران حامی و مدافع طبقه ضعیف باشند یعنی حامی و مدافع حق بر اساس قانون کار و بین این دو طبقه حسن رابطه با اجرای صحیح قانون بوجود بیایند این به منفعت مملکت به منفعت سیستم سرمایه گذاری و بمنفعت کارفرما و بمنفعت کارگران خواهد بود (دکتر دادفر - اینطور بحث نکنید) خیلی از لطفنان تشکر میکنم آقای دادفر بهر حال بچه‌ای را که روزاول بمدرسه میفرستند شاید از خواندن الفبا هم عاجز باشد ولی اگر استعدادی بخرج بدهد و معلم خوبی مثل آقایان داشته باشد در عرض ۳-۴ سال علمی پیدا میکند که مورد توجه آقای اخلاقی هم قرار میگیرد من بحثم را درباره وزارت کار با اعتماد و اطمینانیکه بروحیه معاون محترم این وزارتخانه با آشنائی که بطرز کار ایشان در مجلس شورایی داشتم بامید توجه بدین نکات خاتمه میدهم اما مؤسسه‌ای دارید شما در کنار وزارت کار و امور اجتماعی بنام بیمه اجتماعی کارگران (پوربابائی بیمه‌های اجتماعی) بیمه‌های اجتماعی عام تر شده است وظیفه وسیع تر شده است چه بهتر بقل این مؤسسه از سرمایه این مؤسسه بانکی دارید بنام بانک رفاه کارگران جناب آقای پوربابائی «بانک رفاه کارگران»، کارگزار حذف شده؟ (پوربابائی-خیر، ولی سازمان بیمه کارگران شده سازمان بیمه‌های اجتماعی) خیلی متشکرم پس بانک رفاه کارگران است بمعنی و مفهوم بانک رفاه کارگران در این اسم و عنوان وظیفه بقدری روشن بچشم میخورد که بنده ضرورتی بینم تذکر بدهم از شما نمایندگان اکثریت از دوست عزیز می که همه ساله بعنوان نماینده مجلس در بیمه اجتماعی کارگران انتخاب میشوند استدعا می‌کنم گزارشی بمجلس تقدیم کنند که چند کارگرم تقاضای خانه است و به چه تعداد کارگروام داده اند و به چه تعداد غیر کارگر وام داده اند شرایط این دو وام چه بوده؟ (رضوی- نسبت محفوظ است) آیا نسبتی باید وجود داشته باشد، برادر عزیز من بانک رفاه کارگران است اگر بیک نفر غیر کارگر در حالیکه یک نفر کارگرم تقاضای وام است و وام داده باشد

خلاف اسمش خلایق وظیفه اش و خلاف قانونی است که او را بوجود آورده شما از طرف مجلس چشم و گوش هستید تشریف می‌برید گزارش بیاورید وقتی شما نماینده جناح کارگری مجلس کارگران رشیدی که در صف ما نشسته‌اید و در تمام مراحل وظیفه دفاع از حقوق آنها بعهده شماست آقای رضوی عزیز این نظر را شما باید بشت این تریبون بکنید که بانک رفاه کارگران بغیر کارگر وام داده است بانداده کارگر بی‌خانه مانده است یا نمانده.

حیدر صائبی - آقای فرهادپور شما برای مسا وظیفه تعیین نکنید ما احتیاجی بعوامفریبی نداریم کارگران باین وسیله عضو حزب شما نمی‌شوند هر جا هم لازم باشد ما خودمان دفاع می‌کنیم وزارت کار نمی‌تواند قیم ما باشد آن عصر و زمان گذشت، ما خودمان در کمیسیونها از حقوق کارگران تاحدی که امکانات اجازه میدهد دفاع می‌کنیم، اهانت نکنید.

فرهادپور - خیلی متشکرم که دفاع از طبقه شریف کارگر را عوامفریبی تلقی کردید این احترامی است که شما بهمکارانتان می‌گذارید ولی من اینها را عوامفریبی نمیدانم چون کارگران مردم رشید و مترقی

حیدر صائبی - چطور شده شما دلسوز کارگر شده‌اید؟

فرهادپور - خیلی معذرت می‌خواهم که حمایت از طبقه کارگر را وظیفه جذب آنها بحزب میدانید این يك وظیفه مملکتی است.

حیدر صائبی - ما در انجام وظیفه مان کوتاهی نکردیم اگر قبول دارید و اگر قبول ندارید آن بحثی است جدا.

فرهادپور - يك کارگری نامه‌ای بمن نوشته بود و از من جواب خواسته بود من متحیر بودم که برای او چه جوابی بنویسم چون مقیدم که جواب بنویسم نوشته بودما که نمایندگان رشیدی در این مجلس داریم مخصوصاً از شخص جنابعالی اسم برده بود که چه دلیل دارد سرپرستی سازمان کارگری ما با آقای حیدر صائبی محول نشده‌بنده تا بحال جوابی نداشتم که باو بدهم حالا ممکن است آن کارگر جوابی بنویسم (بکنفر از نمایندگان - چرا محول

نشده، محول هست) سوال کرده بود که چرا مسئولیت سازمان کارگری حزب مترقی ایران نوین به طبقه شریف کارگر که بمقام شامخ نمایندگی از طرف آن طبقه انتخاب شده‌اند سپرده نشده است و بنده برای او جواب نداشتم فرمایش امروز جنابعالی موجب شد که بتوانم جواب منطقی عرض کنم که در حزب خودشان فردی بهتر از ایشان برای دفاع از کارگران انتخاب کرده‌اند.

حیدر صائبی - بنده معاون سازمان کارگران هستم.

رئیس - آقای فرهادپور راجع به لایحه صحبت بفرمائید اینکه نمی‌شود دو نفری صحبت کنید.

فرهادپور - بهر حال این سازمان بیمه‌های اجتماعی و بانک رفاه کارگران آنقدر امکانات مالی داشته و آنقدر وسعت مالی داشته که بجای خانه‌سازی یا شاید خانه‌سازی برای کارگران خاتمه پیدا کرده و نمونه‌اش را دیدید در شرکت واحد که در سال ۴۴ فقط ۲۶۱ خانه ساختند و از آن تاریخ باین طرف چیزی نساختند کاری که جزو برنامه حزبی شماست و جزو تره‌های انتخاباتی شماست این مؤسسه در بابلسر پلاژ ساخته بیمه‌های اجتماعی مطلق بیمه‌های اجتماعی بدون کارگران (رضوی - ما هم اعتراض کردیم) اجازه بفرمائید روزی که ساخته اعتراض کردید؟ روزیکه میخواستند بسازند اعتراض کردید؟ روزیکه این پول را میخواست مصرف کند اعتراض کردید؟ (رضوی - حالا پول بیشتری گرفتیم در مقابلش نگران نباشید) بنده از پول گرفتن جنابعالی نگرانی ندارم (دکتر المونی - سازمان گرفته نه ایشان) بله میدانم فرمودید بی اجازه ساخته (رضوی - بی اجازه ساخته) فرمودید اعتراض کردید آیا شما حزب حاکم نیستید؟ آیا کار ناشایست رانمی‌توانستید جلوش را بگیرید (رضوی - این مربوط به ۹ سال پیش است بنده گزارش میدهم) مسائلهاست منتظر گزارش شما هستیم (رضوی - در صورت جلسه هست قرائت بفرمائید) آنچه که شما گزارش داده‌اید گزارش نیست دفاع از این نوع کارهاست بهر حال سازمان بیمه‌های اجتماعی از پولهایی که با حراج وسایل تولید از کارگاههای کوچک و تعلق در وصول حق

کار فرما از کارگاههای بزرگ نمونه‌اش ۹۳ میلیون تومان مطالباتش از يك مؤسسه بود در این حالت يك پلاژ ساخت روزی که مسئله این پلاژ در کمیسیون بود چه مطرح شد بفرمایید این مؤسسه برای کارگران پلاژ ساخته حداعلائی مخالفت را با گرفتن این پلاژ از بیمه‌های اجتماعی کردیم ولی متأسفانه آمدند و بما گفتند پلاژ برای کارمندان و رؤسای بیمه‌های اجتماعی است و بحکم منطق صحیح نماینده نخست وزیری که برای این پلاژ مصرف بهتر و عالیتر و بالاتر یعنی تخصیص این پلاژ برای استفاده منحصراً دانشجویان (تکرار و تکیه می‌کنم) استفاده منحصراً دانشجویان در این ماده نیست آقای قوام‌صدری، پلاژ را از کارمندان بیمه‌های اجتماعی می‌گیرند و به کارمندان نخست وزیری هم نمیدهند برای دانشجویان است منطق صحیح است، کار خوب است استدلال کافی بود درك من اقلیت بعد از دو ساعت بحث که اول خیال میکردم مال کارگران است با گرفتنش مخالف بودم بعد که دیدم مال دانشجویان است آقای دکتر دادفر هم تشریف داشتند و همه باتفاق باتبصره موافقت کردیم که بگیرند برای دانشجویان این هم نمونه‌ای بود از طرز فکر و طرز مصرف اعتبارات بیمه‌های اجتماعی که خوشبختانه روزی آقای رضوی فرمودند که از اول با آن موافق نبودیم و وسط کار اعتراض کردیم و تا پایان کار هم اعتراض کردیم و خوشبختانه پس گرفتند صحبت از خانه و مسکن شد تناسب ایجاد میکند موضوع ایجاد می‌کند که روی سخن بادوستان محترم اداره کنندگان وزارت آبادانی و مسکن باشد اگر نگوئید تعریف است وزیر شما جوان است فعال است درس خوانده است اما کار وزارت آبادانی و مسکن بعقل گوناگون، عدم تأمین اعتبارات کافی برای چنین وظیفه بزرگ، تداخل قوانین مختلف باوظایف وزارت آبادانی و مسکن که اگر اینها را جمع بزنید و من باحسن نیت میگویم که این نواقص متأسفانه در روحیه عده زیادی از کارمندان شما تأثیر گذاشته و کاری مطابق آنچه مورد انتظار است انجام نداده‌اند بعضی از کارمندان شما فعالند دلسوزند وزیر همه آنها را خوب می‌شناسد از قول من خدمتشان

عرض کنید بایک ودو سه و چهار گل بهار نمیشود یک وزارتخانه باید در طریق و وظیفه ای که دارد اول درک وظیفه کند قوانین و مقررات لازم را برای انجام آن وظیفه داشته باشد از تداخل بی مورد در وظایف آنچنانکه خیال دارند رفع اشتباه از تجزیه وزارت کشاورزی بکنند جلوگیری بشود اعتبار کافی هم برای این کار داشته باشند گوششان هم بر اهنمایی دوستان مشفق و لواز بخش مخالف آشنا باشد قوانین وزارت آبادانی و مسکن با آنچه در شهرها انجام میشود و نقشه های جامع شهرسازیها مثل اینکه شما اداره شهرسازی دارید (اخلاقی - شورایی عالی شهرسازی) شما که صدايت بلند است طوری بگو که من بشنوم (اخلاقی - بدرد شما نمی خورد) بدرد رفتای شما که می خورد شما اداره شهرسازی دارید تداخل این اداره و وظایف این اداره با وظایف انجمن های شهرها مطالعه کرده اید راه دور نمی روم معذرت میخواهم تا میخواهم مثال بزنم قزوین جلو چشم می آید و آقای دکتر الموتی شرکت مندا چند سال است در قزوین مشغول است (الموتی - هفت هشت سال) مردم تهران هم از نقشه جامع ملاحظه می کنید چه دل خونی دارند چه کسانی که به همه چیز رسیدند چه کسانی که از همه چیز افتادند این عدالت نیست این خواسته شاهنشاه ایران نیست در شهر تهران محلات پر جمعیت آنها که در مناطق جنوب و جنوب غربی و کوی افسریه و جنوب شرقی نشسته اند طبق نقشه جامع شهر از حقوق انسانی هراسان محروم کرده اند در کشوری که به همت والای پادشاه بدهات آب لوله کشی می برند البته همه تمام نشده کار سنگینی است (اخلاقی - در حوزه انتخابیه من آب لوله کشی هست) هر چه من می گویم در حوزه های شما اکثریت هست ولی این مطلب نفع دولت نیست چون یک تناقضی بین کار دولت ایجاد می کند مثل اینکه بسا ما دشمنی داشته در حوزه شما هست مرد محترم شما شخصیت والائی در سازمان آب و برق بودی توانسته ای آب برای حوزه خودت تأمین کنی (اخلاقی - برق هم هست حمام و

آب گرم هم دارند) من از کثرت دفعاتی که بحوزه انتخابیه تشریف می برید این نتیجه را هم میدانم که جلو مردم خجالت نمیکشید و هم میدانم حمام و آب گرم دارید و هر روز حمام می کنید (اخلاقی - شما اطلاع ندارید) شما از حوزه من بی اطلاعید من از حوزه شما (اخلاقی - من اهل آنجا هستم) اهل آنجا هستید آخر این اهلیت دلیل اهل بودن نیست (اخلاقی اهلیت میخواهد هر چیزی اگر دز فول آمدید نشان میدهم) انشاء الله بعنوان مهمان شما می آیم و آثار کارهای شما را می بینم دز فول چقدر جمعیت دارد؟ (اخلاقی - صد هزار نفر) با حومه؟ (اخلاقی - فقط شهر) خیلی خوشحالم که برای یک شهر صد هزار نفری آب دارید برق دارید حمام گرم دارید (اخلاقی - دهات را عرض کردم شهر سالهاست دارد) انشاء الله پنج کیلومتری تهران کوی افسریه تشریف ببرید نه برق دارند نه آب و نه حمام گرم (اخلاقی - ایران افسریه است یا شرکت واحد؟) اگر دوستان عزیز حوصله بکنند عرض میکنم جناب اخلاقی مسأله اتوبوسرانی مسأله کوچکی بود؟ (اسعد رزم آرا - شما نماینده یاسوج هستید) از ملایریهای شما هم دفاع میکنم من نماینده همه جای مملکت هستم (اسعد رزم آرا - ملایریها احتیاج ندارند برای اینکه دو نماینده شجاع مثل من و مهندس صائی دارند) وظیفه مرا سبک کردید ملایر نمایم جاهای دیگر را اگر حوصله داشتید میگویم اگر حوصله کنید وقت مجلس ایجاب می کند که من برایتان مثل بزنم اگر بخواهم همه را بگویم مثنوی هفتصد من کاغذ شود مثل میزنم راه نزدیک را میگیریم که خسته نشود بتوانید ۵ کیلومتر بروید آقای ایمان زهرائی عزیز قریه شال چند تا ساکن دارد؟

رئیس - آقای فرهادپور جنابعالی مناظره میکنید یا صحبت؟ شما که با یکی یکی مناظره میفرمائید.

فرهادپور - اگر استدلال نخواهند بنده حرفم را ادامه میدهم.

دکتر الهوتی - شما صحبت خودتان را بفرمائید.

فرهادپور - من شما قرائی را نشان میدهم که بیش از ۸۰۷ هزار جمعیت دارد در منطقه عمران دشت قزوین هم هست آب خوردن هم ندارند برق هم ندارند. اما در مورد مسکن معاون محترم وزارت آبادانی و مسکن نحوه کار و برنامه کار گذشته شما که انشاء الله عوض شده باشد یک نمونه زنده در اینجا دارد و آن انحلال شرکت تعاون مسکن کارکنان مجلس شورای ملی است شما هر روزی که از راه تعاون مسکن که تر شماست کارمندان و مستخدمین بی خانه مجلس را صاحب خانه کردید برای اکثریت محترم یک مدرک زنده در دفاع از تزلتان تأمین کرده اید و من فکر میکنم تعصب حزبی موجب بشود که انشاء الله در اسرع وقت یک چنین جواب مثبتی پشت این تریبون بدهید که هم کارکنان مجلس بخانه رسیده باشند و هم دفاعی از تر و برنامه انتخاباتی حزب شما شده باشد یک روزی در کنفرانس اختصاصی از آقای وزیر آبادانی و مسکن مطلبی شنیدم که ما به ۲ میلیون واحد مسکونی نیاز داریم خوشم آمد که روستائینان را هم جزء مردم این مملکت حساب کرده بودند برای آنها هم خانه میخواهند این برنامه شما زمین میخواهد اعتبار میخواهد یک راه عاقلانه برای تلفیق این دو عامل یعنی قدرت پرداخت بی خانه هاست یعنی آدم اجاره نشین اگر از یک فردی که خانه ندارد با تر جدیدتان که هنوز ندیدم به کسی دو متر زمین بدهید از زمین های دولتی خواستید و آگذار کنید یک ضامن از او خواستید و زمین را هم خواستید و بگیری بانک رهنی شما هم بهمین آدم برای کمک ساختمانی اگر ضامن خواست و یک گروی دیگر درست مثل این میماند که از آدم لخت بخواهیم پالتو و پولیور بگیریم مردم مستأجر است بی خانه است برنامه باید طوری تنظیم بشود که به هدف برسد، هدف صاحب خانه شدن مردم بی خانه است، دولت حزبی است، همکاری است اینکار منحصر یک وزارتخانه نیست و آن اعمال تسلط دولت از طریق قانونی و بار عایت مراتب شرعی در زمین های وقف است که من نمونه هایی از تجاوز به میلیونها متر زمین وقف دارم یکی از کارها گرفتن زمینهای موات است قانون دارید اما شما را بخدا اول مطالعه کنید زمین را که می گیرید بعد با لطائف الحیل پس ندهید

تهدات خودتان را انجام بدهید اعتبارات بانک رهنی را که من معتقدم این بانک به تناسب با اعتباراتی که در اختیارش گذاشته اند تا حدودی که توانسته است بدخرج کرده اکثریت ما را مجبور کرد که کلمات را با عکس قضیه بگوئیم بجای آنکه بگویم خوب خرج کرده برای اینکه انخاذسند میکنند میگویم بد خرج نکرده بهر حال اصل اول برای تأمین مسکن بهر طریق که لازم بدانید توجه به قدرت پرداخت آدم بی مسکن است آپارتمان متری ۱۰۰۰ تومان ساختن درست نیست من نمایندگان مجلس را می شناسم که دستشان بدهندشان میرسد ولی وعده ای که برای آپارتمان سازی داده بودید اینقدر گران تمام شد که پولهایشان را پس گرفتند مادر دوره ای هستیم جناب دکتر بهرون که گشاده دستی و ولخرجی نمیتوانیم بکنیم برای کارهایی که احتیاج عام است. شاهنشاه ما اصل نوسازی را فقط برای عباس آباد نفرمودند نوسازی مملکت از رودارس تا چاه بهار از قصر شیرین تا سرخس است انشاء الله ایراد جغرافیائی که ندارد؟ و بیشتر از هر چیز نفع بیشتر از ۶۰٪ مردمی که در روستاها زندگی می کنند باید باشد می گوئید ما نقشه و طرح نمیدهم تجربه ثابت کرده که اگر طرح و نقشه را ما بنویسیم وزیرش را بعنوان فراکسیون حزب مردم امضاء کنیم اشکالاتی پیدا می کند و تعصبانی ایجاد می کند بنده از آنها می هستم که اگر مطلبی بعقلم برسد باز گو کردن آنها بمقامات مسئول لازم میدانم من مطلب را عرض میکنم از شما استفاده کردن و شنیدن و بهره برداری یک روزی در سازمان برنامه بنده عضو کمیسیون برنامه بودم در خدمت آقای دکتر الموتی رفته بودیم آن موقع سالی یکبار کمیسیون برنامه را بخصوص در موقع تغییر رؤسای سازمان برنامه دعوت میکردند آنجا و اعضای کمیسیون برنامه با نمایندگان و متخصصین و مسئولین سازمان برنامه ناهار دوستانه ای برای حسن تفاهم میخوردند جناب آقای نخست وزیر هم عنایت میفرمودند و در این جلسه شرکت میکردند بنده یکروز عنوان کردم که مهاجرت شهرهای بزرگ شروع شده مشکلات شهر تهران را می بینید که حتی ما برای تأمین آب آشامیدنی پیش بینی می کنیم و در عبرتیم شهرهای نظیر اصفهان و شیراز و تبریز و مشهد و اهواز و بقیه شهرهای بزرگ ما هم

باین گرفتاری مبتلا خواهند شد در این مورد چند عامل را توجه کنید اولاً در این قبیل شهرها قبل از اینکه عنوان سرمایه‌گذاری و صنعتی کردن شهر را بکنید زمینهای مورد احتیاج اعم از دولتی و وقفی را تصاحب و در اختیار بگیرید چون وقتی يك شهری را صنعتی اعلام کردید و ۱۵۰ کارخانه بردید این ترقیاتی است که مملکت ما از این جهت دارد غیر قابل انکار است ولی يك عوارضی دارد در آن شهر کرایه خانه بالا میرود قیمت زمین افزایش پیدا می‌کند و این برای اقتصاد مملکت برای سرمایه‌گذار و کارگری که میخواهد آنجا کار کند ایجاد حمت می‌کند و عرض کردم شما امکانات کافی برای اینکه همه کار را یکمرتبه انجام بدهید ندارید بهمین دلیل این لغت اولویت که از طرف دولت یا ما استعمال می‌شود یعنی می‌گوئیم کاری که واجب‌تر است انجام بدهید عرض کردم بیایند نوسازی شهرها را در حد نیازهای اولیه یعنی يك آب لوله‌کشی يك پست درماني يك برق يك پست نامه‌رسانی و تلگراف چهار تا خیابان آسفالت دو تا حمام و يك دبیرستان و يك دبستان و يك مسجد این را از شهرهای کوچک و از قصبات شروع کنید و بدو طرف بروید یعنی از شهرهای کوچک بگیریم بی‌آبیم بسمت شهرهای بزرگ و از قصبات بگیریم برویم بدو طرف دهات کوچک این مطلب را من سه سال پیش گفتم چون من گفتم شهر کوچک و قصبه این فکر نمی‌بایست عنوان بشود خوشوقت که امروز در لوايح دولت تحت عنوان شهرک و قطب همان پیشنهادی را که من سه سال پیش کردم می‌بینم طرح و نظر و کمک و راهنمایی در حد عقل بنده غیر از این نیست، می‌فرمائید طرح بدهید چند سال پیش میزان تلفات تصادفات گرفتاری‌های ناشی از این تصادفات فکر ایجاد بیمه شخص ثالث را بوجود آورد فکر بسیار سالم بود متأسفانه يك واقعه مؤلمه که از يك جهت قلب همه ما را جریحه دار کرد و پسر جوان همکار عزیز ما از دست رفت و اداره کننده با سواد روزنامه اطلاعات فرهاد مسعودی زخمی شد عنایت پروردگار و کوشش پدر پیرش موجب شد که آواز خطر جست و سلاط خودش را بدست آورد و این واقعه مسأله

بیمه شخص ثالث را بشدت وحدت رسانید همه از این بابت صحبت کردند و راه حل را در این دانستند چون وقتی يك بیمار مصدومی را به بیمارستان می‌برند بیمارستان اول او را نگاه میداشت البته اینهم اخلاقی است که بیشتر کسانی که تحصیلاتی در خارج از محیط اخلاقی ایران داشته و متأسفانه مقداری از روحیه ایرانی خود را از دست داده‌اند بیمار را در بیمارستان نگاه میداشتند تا صاحبش پیدا شود اگر ۱۰۰ تومان ۶۰ تومان نمیدانم چقدر میداد يك شیشه خون باو تزریق میکردند اگر مبلغ اطاق عمل را میداد به اطاق عمل می‌بردند اگر پول جراح را میداد به او جراح میرساندند و اگر نداشت بدهد به امان خدا سپرده میشد (دکتر ناوی - اینطور نیست بیمارستانهای دولتی شب و روز آماده پذیرائی است) به بیمارستان های دولتی و به وزارت بهداشتی هم میرسیم مقام ریاست فرمودند من باشماها سوال و جواب نکنم قانون بیمه شخص ثالث در مجلس مطرح شد قیمت گران بود تعهداتش هم بالاتر جناح اکثریت دوستی دارم که ناآنجا که انضباط حزبی اجازه بدهد احساساتشان را بروز میدهند از پشت این تریبون دادفر عزیز به گرانی حق بیمه شخص ثالث اعتراض کردولی میدانید چه کردند حق بیمه شخص ثالث را ۴۰٪ تخفیف دادند تعهدات بیمه‌گر را ۵۰٪ پائین آوردند یعنی بایک حساب اقتصادی علمای اقتصاد که در صف اکثریت نشسته‌اند حساب کنند می‌بینند عملاً با این تخفیف بیمه‌گر گرانتر کردند تازه چه کردند منفعت جوئی شخصی کار را بجائی رساند که ما از هدف دور افتادیم آنوقت وقتی تصادف که می‌شد یکی را که می‌بردند بیمارستان آنوقت می‌پرسیدند باباش کیست حالا میگویند بیمه‌گرش کیست؟ طرح دادم نامه نوشتم رئیس محترم شرکت بیمه آنروز سه سال پیش از دادن این طرح و نامه بمن جواب تشکر آمیز نوشت جوابش را دارم میخواهم شرکت بیمه ایران دکتر فرهنگ مهر ۴۸/۹/۱۲ طرح من این بود بیمه شخص ثالث جوابگوی هدف های مورد نظر ما نیست مگر تمرکز این بیمه در يك شرکت واحد و ایجاد بیمه اتوماتیک شخص ثالث یعنی هر وسیله

نقلیه که عبور می‌کند اتوماتیک هر نفر ثالثی که صدمه ببیند بیمه شده است البته راه‌های پیشنهاد کردم برای وصول حق بیمه از صاحب آن وسیله راههای بدون خرج حتی آقای دکتر ناوی پیشنهاد کردم که در شرایط کنونی آنچه که بفرویش شما بیمارستان سینا انجام میدهد يك وظیفه انسانی است يك مصدومی را از مرگ نجات میدهد این وظیفه اخلاقی افتخار شایسته بیمارستان سینا، ولی درآمد و سودش به جیب بیمه‌گر است چون اگر او مرده بود این باید ده هزار تومان میداد حتی در این طرح پیشنهاد کردیم به بیمارستانهای دولتی هم همان حق علاج که بیمه‌گر باید به بیمارستان بدهد پرداخت بشود و این در حسابی برای توسعه و بهبود بخش‌های اورژانس شما در وزارت بهداشتی بمصرف برسد این فکر غلطی بود؟ ناله کردم مطلب را توی روزنامه نوشتم طرح را برای جناب آقای نخست وزیر فرستادم به وزیر دارائی صاحب سهم شرکت بیمه دادم اگر شما جوابی شنیدید و نتیجه‌ای دیدید منم دیدم.

شیخ رضائی -

فرهاد پور - بنا بر این تجربه‌ها نشان داده‌است اگر افکاری داریم برای خودمان بخته یا بخته علمی یا غیر علمی اگر نگاه داریم و ببینیم در این روزی مجری پیدا کنیم که گوش به شنیدن آن حرف آشنا باشد بدستش میدهم آن طرح ممکن است اجرا بشود اما اگر طرح را بدهیم که در بونه فراموشی برود یا در بایگانی‌ها بماند یا مثله بشود و نتایجی مطابق هدف‌های پیش‌بینی شده نداشته باشد چه فایده دارد چون طرح يك سلسله عواملی است که هر عامل در این وسط اگر ناقص باشد به هدف نمیرسد من برای خانه به شما گفتم زمین میخواهید پول میخواهید قدرت قانونی میخواهید و محاسبه قدرت پرداخت مستأجر میخواهید حالا بمسائل ریزش که برای تولید مصالح ساختمانی آجر، سیمان، آهک، نیروی کار در این زمینه وقتی پول داشتید فراهم میشود این طرح بود عنوان کردیم من برای بار دوم عنوان نمی‌کنم يك راهی پیدا کردم در صف شما دوستان خوبی دارم بایک عبارت های دیگر میدهم او بنویسد و پیشنهاد بکند شاید انشاء الله قبول بشود.

دکتر الموتی - حرف صحیح از هر کس باشد ما قبول میکنیم.

فرهاد پور - آنچه برای شما خواندم مربوط بسال ۱۳۴۸ بود.

دکتر الموتی - ما ممکن است هر چه فکر میکنیم و پیشنهاد میکنیم خیال کنیم درست است در حالیکه امکان دارد معایبی داشته باشد.

فرهاد پور - لااقل برای دلخوشی من و تشکر از این راهنمایی مینوشتم که از دل سوزی شما معنومیم و طرح شما طرح نبود مرح بود و ما طرح دادیم بنده در عرایض شب گذشته بمسأله بهداری و بهداشت و وظایف بهداری رسیدم جناب آقای دکتر مرشد از آن چه میگویم و تلخ است از شخص تو معذرت میخواهم ولی در بیان تلخها اجازه بفرمائید ما دوستها را مداخله ندهیم وزارت بهداری بنظر من کم‌کارترین سازمان‌هاست حالا ممکن است بودجه نداشته باشد کادر نداشته باشد نمیدانم نارساترین وظیفه‌ای است که در مقابل احتیاج درمانی مردم انجام میشود و همکار محترم وعزیر من ...

دکتر ناوی - درمان با وزارت بهداشتی نیست ضرور عزیز این رارعايت بفرمائید با شیر و خورشید سرخ است.

فرهاد پور - از کی؟ (دکتر ناوی - از دیرباز) قانون چه تاریخی بود؟ (دکتر الموتی - سال قبل) اجازه بفرمائید این نارسائی را تا سال قبل قبول کنیم از سال قبل تا حالا بهم میرسیم انتقال وظیفه درمانی بسازمان شیر و خورشید سرخ و سازمان شاهنشاهی بخصوص بزرگترین سند برنارسائی انجام وظیفه وزارت بهداشتی در این وظیفه عمومی است (صحیح است).

دکتر ناوی - اینطور نیست در هیچ کجای دنیا وزارت بهداشتی وظیفه درمان را ندارد مگر دو سه استیت در امریکا، وزارت بهداشتی وظایفش برای جلوگیری از وبا و غیره اگر فداکاری نمیکردند آفتابست این تریبون سخن نمیکفت.

فرهاد پور - من نمیدانم. اگر يك وبائی نیامده بود شما چه چیز برای دفاع داشتید.

دکتر ناوی - مالاریا، آبله، بیماریهای عفونی و بیماریهای مختلف بزرگترین خدمتی است که وزارت بهداشت کرد این ناجوانمردی است که به طبقه فاضل و پزشک میکند این قابل بخشایش نیست.

فرهاد پور - به چوجه من الوجوه به طبقه شریف پزشک که تحت نظام پزشکی انجام وظیفه می کند بنده قصدها نت دارم ماکمبود پزشک داریم ایراد به پزشک نیست و عدم توجه به تربیت پزشک است این وظیفه چه کسی بود که عدد ورقم بدهد که آقای کشور که در مسیر ترقی است باید از نظر درمانی باین نسبت از جمعیت و پزشک برسد (دکتر ناوی - فرمودید تربیت پزشک، بفرمائید تعلیم پزشک) خیلی از تذکر شما ممنونم تعلیم پزشک اصلاحات اکثریت اکثرأ در حدود اصلاح عبارتی است از جنابعالی که مرد فاضل و دانشمندی هستید جز این انتظار را نداشتم تعلیم پزشک، مادر کشوری زندگی میکنیم که بعد از ۲۰۰ سال خواب خرگوشی دوره قاجار بعد از ۲۰۰ سال عقب ماندگی خمودگی بی توجهی به پیشرفت دنیا از نیم قرن قبل تا امروز گامهای بلند و در ده سال اخیر جهش کرده ایم آنچه میکنیم باید با این جهش منطبق باشد شما برای من بفرمائید جناب آقای معاون وزارت علوم آيا به شما و به وزارتخانه شما که دانشگاههای تحت سرپرستی شما و دانشکده های پزشکی بوسیله این وزارتخانه سرپرستی میشوند تا بحال صورتی از نیاز مندیهای کشور به طبیب عمومی طبیب های تخصصی متخصصین سطح بالا داده شده؟ از اعداد و ارقام صحبت نمیکنم وزارت بهداشتی مملکت ما که همین دستگاه لنگش با کار توان فرسای امثال دکتر ناوی میگشته بایستی احتیاجات مملکت را بداند اینجاست که صحبت از اولویت پیش میآید که ماتریت یا تعلیم چه رشته هایی در مملکت نشان اولویت دارد چند تا امتیاز دانشکده دادید به بخش خصوصی؟

دکتر الموتی - دانشکده پزشکی که باین سهولت نیست زمان میخواهد.

فرهاد پور - جناب آقای الموتی عزیز من، دوره پزشکی برای طب عمومی در کشور ما حداکثر ۶ سال (دکتر الموتی - ۷ سال) به بخشید هفت سال است از دولت باین نامه ابد مدت حزب ایران نون هشت سال میگردد بنابراین شما در این دوره اگر روزاول پیش بینی داشتید رسیده بودید به آنجا که این کمبود مملکت را با توجه به اولویت به طریق نسبی جبران میکردید.

دکتر دادفر - هیچ کشوری باین هدف نرسیده حتی شوروی.

دکتر الموتی - حتی امریکا.

فرهاد پور - آقای دکتر علمی فرمودند ما از خارجی ها اسم نبریم خلاف ناسیونالیزم ایشان است عصبانی میشوند (دکتر الموتی - انگلستان و امریکا هم دچار کمبود پزشک است گفتن آمار ایرادی ندارد قبول داریم که طبیب و وسیله درمانی کم داریم این خبر روزنامه اطلاعات است زن و مردی که فرزند بیمار خود را بپزشک نبردند مجرم شناخته شدند ایکاش آن بازپرسی تمام اولیای وزارت بهداشتی را احضار میکرد و مجرم می شناخت هم مسلک عزیز من جناب آقای طباطبائی از تنها جراح کازرون که برای تکمیل معلومات در رشته مدیریت به تهران احضار شده است چنان صحبت کردند که خیلی از شما اکثریتی ها هم متأثر شدید چون شما هم انسانید شما هم همه احساس دارید و رفیق عزیز من حسن متین از این مطلب دفاع کرد آقای دکتر الموتی درمان از وزارت بهداشتی به سازمان شیر و خورشید سرخ منتقل و محول شده ولی با کمال تأسف باید عرض کنم این وظیفه اخلاقی دستخوش پاره ای تصمیمات قرار گرفته بیمارستانها را تخلیه می کنند میدهند به شیر و خورشید که برای من جراح و دکتر خلق کند (دکتر ناوی - چنین چیزی نیست با کادر منتقل میشود) این در حوزه کازرون بود و یک نماینده اقلیت جناب آقای سهم الدینی نماینده داراب تشریف دارند (مهندس سهم الدینی - هستم بفرمائید) زن هفده ساله ای در کوچه ژانید بعد از ظهر همان روز بازپرسی دادگاه داراب طی نامه ای به مسئولان

بیمارستان نوشت که این زن را باید بطور رایگان بستری کنند (دکتر انوشیروانی - به باز پرس مربوط نیست باز پرس چنین تصمیمی نمیگیرد) مداخله بی ربطی کرده است انسانهایی هستند که گاهی اوقات در انجام يك وظیفه انسانی رعایت ورور کراسی و مقررات خشک را نمیکند (مهندس سهم الدینی - در تا کسی تهران هم گاهی اوقات وضع حمل میکنند) بله در شهر داراب به بیمارستان راه نداده بودند توی کوچه فارغ شد ۲۰ سال دیگر انشاء الله به شما رأی خواهد داد و جزو موکلین شما خواهد بود بله و بحکم باز پرس داد سرا این زن را در بیمارستان بستری کردند نه روی عاطفه و وظیفه بایستی يك نماینده قانون يك باز پرس بقول انوشیروانی عزیز از قدرت قانونی خودش خارج از محدوده و چهار چوب استفاده کند و چون رئیس بیمارستان که طبیعتاً مرئوس آن باز پرس نیست به مناسبت سایر مسائل که چشمش از باز پرس میترسید حرف باز پرس را گوش می کند و گرنه همینطوری گوش نمیکند (عباس میرزائی - پیشنهادتان چیست؟) صبر کنید بعد از ۸۰ سال شما اصلاح می کنید الصبر مفتاح الفرج بدن نیست اگر خسته شدید گاهی هم بخندید اما استدعای من اینست که آنجاها که گریه دارد لا اقل نخندید (حی - گریه کنیم؟) گریه هم نکنید آنجاها که گریه دارد لا اقل نخندید من برای خندیدن شما مطلب زیاد دارم که خیلی بخندید (عباس میرزائی - ما اهل خنده و گریه نیستیم اهل منطق هستیم) (دکتر ناوی - ما با هم میخندیم نه بر هم میخندیم به موفقیت شما هم میخندیم) ان شاء الله خدا نیارود روزی را که زن تو در کوچه بزاید و بزایشگاه راهش ندهند عرض کردم بهرحال خدا آنروز را نیارود جلسه دیشب شمه ای از وزارت آموزش و پرورش حضورتان عرض کردم این وزارتخانه وظیفه سنگینی دارد آدم های خوب هم در آنجا کم نیستند اما اگر جناب بطحائی بی انصافی نکنند باید عرض کنم مهره ها سر جای خودشان نیستند کار را به کاردان نمی سپارند ملک ترقی رابطه نیست ولی ضابطه هم نیست کودکان مملکت کودکان واجبه التعلیم

این مملکت صاحب حق مساوی هستند سازندگان آینده مملکت ما هستند در کشوری که انقلاب سفید نیستم طبقاتی را بهم زده بانوع تعلیم و تربیتان طبقات جدید بوجود نیارود آقای بطحائی عرض نمیکنم شما یا وزیر شما خدای نکرده در این مسئله مداخله دارید مسئول هستید ولی مداخله ندارید علتش این است که کار وزارت آموزش و پرورش آنقدر سنگین است که شاید فرصت رسیدگی به این مطالب را ندارید توی وزارتخانه شما با ایجاد دو سطح تدریس یا تعلیم یا تربیت یا محیط تحصیل نه تنها اطفال اغنیاء بلکه اطفال طبقه ای که از نان شیشان میزنند ولی بر اثر رشد فکری و ترقی و تحولی که در این مملکت بوجود آمده به اهمیت تحصیل واقف شده اند بمدارس ملی هولشان میدهند (صحیح است) مجبورشان میکنید بروند میدانند چطور؟ مدرسه دولتی را آنچنان بد نگه میدارید که بخدا يك دلاک حمام بمن گفت که آقا من بجهام را بمدرسه ملی میفرستم از نان شیم میزنم برای اینکه توی مدرسه دولتی به اورسیدگی نکرده اند منکر زحمات نمی شوم مردم بسیار با شرف معلمین ذی قیمت کارمندان زحمتکش هستند و يك روز هم اینجا حضورتان عرض کردم افاده این اولیای اداری بر این معلمین زحمتکش بزرگترین صدمه است که بروح معلم میزند رئیس کارگزینی، مدیر کل کارگزینی معاون وزارت خانه، وزیر وزارتخانه وجودشان معلق بوجود معلم و وظیفه معلم است به معلم تعظیم کنید پشت در اطاقتان او را نگه ندارید (یک نفر از نمایندگان - معلم چرا بمدارس ملی میرود) چون اکثر مدارس ملی با اولیای متنفذ وزارت آموزش و پرورش رابطه دارند (مهروش صفی نیا - صحیح نیست) (جهانبانی - بدون اینکه اطلاع داشته باشید توهین نکنید) این توهین است؟ (جهانبانی - بلی) - بنده گفتم اکثرأ، ممکن است شما رابطه نداشته باشید شما گروههای فرهنگی را خیال می کنید مردم بوجود آورده اند؟ این نیروی وزارت آموزش و پرورش است که رفت توی بخش ملی، آمار میآورم برایتان، اسم میآورم برایتان، خیلی معذرت میخواهم که رئیس مجلس دفته

اول بمن گفت که اسم نبرید و جناب آقای رئیس این گله من از شما همیشه باقی است

عباس میرزائی - چون در فرهنگ صحبت میکنید وارد حواشی نشوید وارد متن بشوید.

فرهاد پور - متن این است که همه معلمان خوب بمدارس ملی فرستاده میشوند (صحیح است) (خانم صفی‌نیا - اینطور نیست) (بکنفر از نمایندگان - اینطور هست).

دکتر الموتی - چهار میلیون و ۹۰۰ هزار نفر بچه‌های این مملکت در دبستانها و دبیرستانها تحصیل مشغول هستند.

خانم جهانبانی - اینکار قانون دارد.

رئیس - اجازه بفرمائید صحبتشان را بکنند.

فرهاد پور - يك روزگاری برای تأمین کمبودها کسری‌ها فکر کردیم که با ایجاد مدارس ملی و در قسمت درمانی هم مثل اینکه ۲۲۰ میلیون گذاشتیم که بسایجاد بیمارستانهای ملی کمک شود و بر امکاناتی که در اختیار

دولت هست اضافه شود اگر قرا باشد که امکانات دولتی منتقل بشود بخش ملی و مدرسه بشود تجارخانه، بیمارستان بشود

کمپانی، دانشکده بشود جاتیکه پول دریاورند آنوقت خلاف آن هدف و نظر اصلی است (دکتر الموتی - اصل را نباید تخطئه کرد ولی نظارت بیشتری باید بشود) امر

بفرمائید این مطالب را من اعصاب خودم را ناراحت میکنم طرف خطاب دوستان قرار میگیرم کسانی که مستقیماً

در این کار ملاحظه دارند از من میرنجند برای اینکه شما وعده بدهید که نظارت بیشتر باید بشود.

عباس میرزائی - آقا جان مگر بهتر تر نشنیدهای این هم بیشتر است شما مطلب انتقادی ندارید با جمله‌ها بازی میکنید.

فرهاد پور - من عادت باین ندارم که اگر با کلمات بمن حمله بکنید بشما مردم محترم جواب بی‌ادب بدهم.

عباس میرزائی - ما هم با ادب جواب میدهم.

فرهاد پور - من از مسئولیت درمانی صحبت کردم خندید و حتی از اینکه دادگستری پدر و مادری را بعلت اینکه بچه‌اش را بدکتر نبرده که جزو وظایفش بوده تعقیب کرده است.

دکتر ناوی - این قدرت دادگستری کشور است.

فرهاد پور - دوره گذشته جناب آقای نخست‌وزیر عنایت میکردند ۱۵ روز یکبار بمجلس تشریف می‌آوردند در این اطاق مجاور می‌نشستند درد دل نمایندگان را

می‌شنیدند بنده هم این سعادت را پیدا کردم روزی باین فیض عظیم رسیدم حضورشان رفتم درد دلم این بود که آقا بهداری قصبه شال که ۹ هزار جمعیت دارد.

ایمان زهرانی - پنج هزار و ۸۰۰ نفر جمعیت دارد آمارش پیش من است.

فرهاد پور - پنج هزار نفر نیست ۹ هزار نفر جمعیت دارد.

ایمان زهرانی - شاید اسفرو رین وشال را با هم جمع کردید.

فرهاد پور - اسفرو رین به تنهایی پنج هزار نفر جمعیت دارد بعلاوه مگر پنج هزار نفر آدم نیستند گرو هستند؟

ایمان زهرانی - من نگفتم آدم نیستند بنده عرض کردم که به قراء منطقه بوئین زهرا آشنایی دارم از کمبود

هائی که دارند اطلاع دارم و در این دوره اقدام خواهد شد.

فرهاد پور - خیلی از انصاف شما تشکر می‌کنم جناب آقای نخست‌وزیر تقاضای بنده را که حاکی از نبودن پزشک در درمانگاه شال بود یادداشت فرمودند به

وزارت بهداری تأکید کردند آقای کریمی داریم در اینجا بسیار مرد منظمی است از او سؤال کنید ۸ بار پی گیری کرده است هنوز به اجازه وزارت بهداری يك مستخدم در آنجا خدمات درمانی را اداره میکند.

دکتر ناوی - اگر نبود يك پیرزن دهاتی این کار را میکرد چه فرق دارد وقتی کمبود هست چه کنند.

احتشامی - چشم شما روشن.

فرهاد پور - من فکر میکردم چرا وزارت بهداری کارش عقب‌است حالاً بی‌بین بعلت وجود امثال جنابعالی است.

دکتر رشید یاسمی - شما از واکسیناسیون بفرمائید که ۱۷۰ میلیون دز واکسیناسیون انجام شده.

فرهاد پور - بعد هم از واکسیناسیون صحبت میکنم از تناسب اندام هم صحبت میکنم از دوای لاغری هم

صحبت میکنم از دوای جلوگیری از ازدیاد نسل هم صحبت میکنم از طرز ورود دارو هم صحبت میکنم آقای دکتر من و هزاره‌ها مریض احتیاج به این داریم که يك شیشه تری نیترو توی جیب‌مان باشد.

دکتر رشید یاسمی - شما ناراحتی قلبی دارید.

فرهاد پور - برای من يك شیشه بخر.

دکتر رشید یاسمی - اینکه فراوان است.

فرهاد پور - اسمش را عوض کرده‌اند و قیمتش راسه

برابر کرده‌اند نه آن اثر روانی را در من دارد و نه آن قدرت خرید را برای طبقه فقیر، از چه دفاع میکنید برادری من،

دکتر عزیز تو که يك عمر خدمت کرده‌ای تو که خانواده‌ات به فلسفه، علم، دانش معروف است پدر تو که افتخار مملکت است تو دیگر چه می‌گویی.

دکتر رشید یاسمی - من میگویم وزارت بهداری کارش رامی‌کند در بهداشت و شما قبول بفرمائید.

فرهاد پور - من از این نوع دفاع تشکر می‌کنم

يك دفاع دیگر بفرمائید سه شب است که برق تهران خاموش می‌شود در کشوری که چند درصد رشد برق داریم؟

شما که ارقام را حفظ هستید آقای دکتر الموتی (دکتر الموتی - من قرار نیست جواب بدهم) کشوری که خوشبختانه

در دوره جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی به تصدیق خارجی ها که به ایران آمدند یکی از القاب، کشور نوروروشنایی

شد سرتابای بیابانها خیابانها شهرها همه روشن بود ما کسر برق نداریم چه شد که سه شب مردم تهران باید خاموشی بکشند.

مهندس معینی‌زند - نقص فنی همیشه هست در نیویورک هم برق خاموش شد؟

فرهاد پور - چند دفعه خاموش شد.

مهندس معینی‌زند - سه دفعه خاموش شد و میلیاردها ضرر زد.

دکتر الموتی - بیست و هفت ساعت برق نیویورک خاموش بود.

فرهاد پور - قرار شد از نیویورک، ستفرانسسکو و واشنگتن حرفی نزنیم اگر لازم شد این مقایسه

را هم می‌کنیم شما این کار که از دولت سر اداره کنندگان برق حالا اکثراً باید در مقام تأمین يك ژنراتور خصوصی باشند یا آدم هائی مثل عباس میرزائی و اگر ما هم مثل خودت حساب کنی يك دفعه بی‌خانه من تماشا کن بعد انکار نکن چراغ لامپا بخریم و آماده داشته باشیم که وقتی برق خاموش شد معطل نمائیم.

قدردان - شما اگر اطلاع از برق داشتید این فرمایش را نمی‌کردید.

فرهاد پور - شما که اطلاع دارید بیاید بگوئید من هم استفاده میکنم و شما هم در دانشکده حزبی هم برق تدریس بکنید.

عباس میرزائی - دانشکده دیلم و کنکور میخواهد: **فرهاد پور** - کنکورتان را دیدیم در روزنامه ها

خواندیم خودتان گفتید يك مطلب بگو من هیچ ایراد ندارم که دانشکده حزبی باشد و شما که عاشق تیرید خیلی

هائتان يك فوق لیسانس بگیرد اما این را هم بدانید که فوق لیسانس در هر رشته‌ای احتیاج به لیسانس پایه در آن

رشته دارد نمیدانم این قابل توجه بود یا تکرار بکنم یعنی اگر يك کسی خواست فوق لیسانس در حقوق بین‌الملل

بگیرد بایستی تحصیلات حقوقی داشته باشد این اگر لیسانس شیمی باشد فوق لیسانس در حقوق بین‌المللی

نمیتواند بگیرد شما برای رشته فوق لیسانس هر لیسانسی از او لازم آرایش تالابرا نواز قبول کردید بیاید برویم مدارک را

به بینیم بعضی هایشان پایه و مایه دارند بعضی هایشان هم ندارند بهر حال صحبت از خاموشی برق بود و وزیر نجیب

برق لااقل این انصاف را داشت که در روزنامه‌ها از مردم معذرت بخواهد (احتشامی - صحیح است بسیار مرد

شریفی است) هیچ انکار نکرد آقای قدردان خیال میکنم

باشما متخصص برقید یا او، وزیر برق از مردم معذرت خواست و من از این وزیر جوان و از این حسن اخلاق انتظار

دارم که بابت صورت حساب‌های کلان برقی هم که برای مردم میفرستند يك معذرتی بخواهند لایحه ادغام وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مطرح بود مقدمه لایحه بیابان

ناطقین، اثر آنچه که مردم در خارج لمس میکنند و در کمینند نشانۀ شکست برنامه‌های کشاورزی یا بقول شما مردم خوشبین نارسائی برنامه‌های کشاورزی نسبت به برنامه‌های صنعتی است اگر خسته شدید نگویم.

دکتر الموتی - نه آقا بفرمائید در حداقل وقت حداکثر مطلب را بفرمائید.

دکتر عدل - ما میخواهیم شما خسته نشوید.

فرهادپور - خیلی از لطف شما متشکرم دکتر هستید دستورات و تعلیمات طبی می‌دهید بنده هم ممنون و متشکرم خوب خیلی خوشحالم که دو طرف ما و شما مردم به نارسائی برنامه‌های کشاورزی چه باعذر و بهانه خشکسالی چه با عدم توجه باین برنامه‌ها رسیدیم اقرار دارید اعتراف کردید.

اسعد رزم‌آرا - حزب مردم چرا.

فرهادپور - خود شما به نارسائی برنامه کشاورزی اقرار ندارید.

اسعد رزم‌آرا - ندارم.

فرهادپور - عقیده آزاد است شما هم محترمید و هر نوع اظهار عقیده‌ای بفرمائید قابل احترام است این مطلب را طی يك مقاله‌ای در روزنامه مرد مبارز برای ارشاد من و امثال من و سایر مردم مرقوم بفرمائید که نارسائی برنامه کشاورزی نداریم هوس کردیم که وزیر کشاورزی را عوض کردیم و وزارت منابع طبیعی را درش ادغام کردیم (اسعد رزم‌آرا - چشم فردا) و مهندس روحانی را که به پهلوان کابینه معروف است سراینکار گذاشتیم که او لایحه‌ای با چنان مقدمه‌ای بیاورد که متأسفانه با فرمایش جنابعالی تطبیق ندارد روزی که اینجا از تجدید نظر در فصول اعتبارات عمرانی صحبت بود لایحه‌ای بود و تصویب شد من با توجه به همه اولویت‌های توی این اعتبارات يك وزارتخانه وقتی دیدم از اعتبار آب کم کردند دوازده درصدند کردام کشاورزی باید باران که انشاء الله همیشه رحمت الهی شامل حال مردم مسلمان ایران باشد نمی‌تواند يك کشاورزی اطمینان بخش و

تأمین دهنده باشد ما بایستی حداکثر استفاده از ظرفیات آبی که داریم بکنیم هر نوع سرمایه‌گذاری در تأمین آب برای ملت ایران جزء واجبات است.

عباس میرزائی - همینطور هم باید در مجلس از حداقل وقت حداکثر استفاده را بکنیم تنها در آب نه در همه چیز.

فرهادپور - با اجازه جنابعالی چشم.

عباس میرزائی - خوشم می‌آید از فرمایشات شما.

فرهادپور - ما بنابه فرمایش رئیس محترم دولت

۱۹ درصد رشد داریم با قیمت غیر ثابت و ۱۴ درصد رشد داریم با قیمت ثابت من درس اقتصاد نخوانده‌ام ولی تا آنجا که عقلم میرسد اینطور استنباط میکنم که تولید ما ۱۴٪ رفته بالا این است که رشد بقیه قیمت ثابت ۱۴٪ و رشد بقیه قیمت غیر ثابت ۱۹٪ یعنی قیمت‌ها هم بطور معدل ۵٪ بالا رفته است من از شما می‌پرسم زارعی که پول برق شما بالا رفته چقدر در چند سال است به چه قیمت می‌فروشد و از این افزایش قیمت بزراع چه میرسد؟ (مهندس معینی زند -

افزایش قیمت نشده) افزایش قیمت بجزیب کارخانه دار افزایش تولید اگر آبی بود اگر آفتی نبود بجزیب زارع (مهندس صائبی - چقدر دیدیم نیست) گاهی اوقات اتفاق می‌افتد قنات‌ها خشک می‌شود آقای استاندار جدید خراسان فرمودند هفتصد جبهه در خراسان روبرو خشکی است بنابراین ملاحظه می‌فرمائید زراعت آبی هم دچار خشکسالی می‌شود و تا این حد نسبت به زراعت اطلاع دارم تفاوت قیمت گندم چقدر است این صحیح است که اگر یکسال آمد بود برکت بود محصول اضافه بود قیمتش بیاید پائین اگر یکسال کم بود محصول اضافه نمی‌شود و از این افزایش قیمت فقط کار فرما استفاده بکند کارگرایانی چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعتی باید از سطح زندگی بالاتر که حق دارد استفاده کند بنابراین آنکه ده سال پیش چقدر ارباب را وجین میکرد و بصورت کارگری بهش ۲۵ ریال میدادند و به بیگاری میردند امروز بایستی دستمزدی بگیرد که سطح زندگی بالاتر باشد این دیگر بحث کارگرهای کشاورزی است آقای صائبی شما ناراحت

نشوید بنابراین هم تثبیت قیمت فرآورده‌های کشاورزی و حتی بیمه نتیجه زحمت و محصول کار کشاورزی جزو واجبات است در منطقه جدید انتخابانی بنده بوبر احمدی که یاسوج مرکز آنجا است و بامز اعلی حضرت همایونی تازه ساخته شده است و فرمانداری کل است مردمی سلحشور غیور وطن پرست شاه دوست دارد (صحیح است) اگر گه‌گاه در گذشته از آنها خطاهائی سر زده است عوامل و علتش را توضیح میدهم با مرید شاه مملکت در این منطقه يك کارخانه قند احداث شد با صد هزار تن ظرفیت این کارخانه تا سال گذشته با ۲۲ هزار تن ظرفیت کار میکرد قریب شش میلیون تومان ضرر در بیلان نشان میدهد هدف چه بود؟ (ایمان زهرائی - ایجاد کار در یاسوج و سرمایه‌گذاری بخاطر یاسوج) احسن این سرمایه‌گذاری و ایجاد کار موقعی است که ما بعداً ظرفیت برسیم یعنی با این چغندری که شما حتی به ۹۵ تا صد تومان می‌خرید (مهندس معینی زند - ۱۲۵ تومان با کرایه) (مهندس فروهر می‌فرمائید حمل نکنند همین طور بماند) فرمودید حمل با کیست لذت حملش با همانی باشد که میرد ولی بزراع بر اساس زحمتی که می‌کشد مبلغی بپردازند که سطح زندگی او بالا برود (مهندس معینی زند - قیمت چغندر را باید بالا ببرند) در این منطقه بخاطر يك هدف عالی بامر رئیس مملکت که تمام دردها را تشخیص می‌فرمایند و درمانش را ارائه می‌فرمایند این سرهنگ توده عزیز سال‌ها فرماندار بوده می‌داند مقرر فرمودند برای اسکان عشایر آن برنامه‌ها که داشتند غلط بود در منطقه کار تولیدی ایجاد کنید این مردم از کارشان منفعت ببرند استفاده ببرند بخودی خود اسکان عشایر انجام می‌شود (صحیح است) ما سرمایه‌گذاری کردیم بخاطر يك هدف ولی دوست عزیزم آقای ایمان زهرائی يك پنجم هدف نرسیده‌ایم بجای اینکه پول صد هزار تن چغندر بزراع بوبر احمد برداخت شود ۲۰ میلیون تن برداخت شده (ایمان زهرائی - تولید را باید کشاورز بکند بدهد بکارخانه) موجبات تولید را در چنین بخشی که بخاطر آن میخواهیم سرمایه‌گذاری کنیم باید فراهم بکنید (صحیح است) من دلم میخواهست دوستان اکثریتی که زمستانها در مناطق جنوب و تابستانها در

مناطق شمال انجام وظیفه‌حزبی میکنند آنچه که این همکار محترمان بنام توده در منطقه ممسنی انجام داده میرفتند از نزدیک میدیدید از چه محل و به چه کیفیت است آیا اعتباری آیا بودجه‌ای جز عشق بکار و جز علاقه بخدمت بوده این سرمشقی است برای خدمت (سمعی - همه حزب مردمی‌ها اینطور هستند) بهر حال من عرض میکنم معاون محترم وزارت اقتصاد تشریف ندارند حضوراً به ایشان هم گفته‌ام با صرف هزینه نصف ضرر یکسال آقای ایمان زهرائی تناژ این کارخانه بعداً کتر خواهد رسید ۱۵۰ کیلومتر یعنی شش رشته راههای فرعی ۲۰ - ۳۰ کیلومتر میخواهد و يك سیاست صحیح برای تشویق مردمیکه این مردم تا چند سال پیش که قدم مبارک شاهنشاه با هلیکوپتر بمنطقه آنها وارد شد از تمام مزایا محروم بودند اینها حق دارند طلب گذشته را از ما بخواهند یا بپای برنامه موجود هم جلو بروند بنابراین هزینه نصف ضرر یکسال برای ساختن چند راه فرعی دیگر آنقدر عقلم میرسد که چغندر وقتی عمل آمد باید حمل بشود و این از عجایب است که بشما بگویم چغندر قند یاسوج بالاترین درصد قند را در در هیچ جا نیست نزدیک به ۲۰٪ بشما قند میدهد (یک نفر از نمایندگان - ۱۸٪) بمن گفته‌اند خیلی بیشتر از ۱۹٪ بنابراین اصل هدف خدمت برای مردم و بالا بردن سطح زندگی این مردم و اسکان این مردم و حفظ این مردم از دست سلف‌خر تنزیل خور که از شهرهای اطراف باینجا می‌آمدند و شاید ریشه اصلی ناامنی این منطقه در گذشته تأثیر وجودی این نوع افراد بوده است و من بدوست عزیزم آقای دکتر زعفرانی تو توصیه میکنم روان شناسی اجتماعی بمن گفته که هر وقت شما بمنطقه بوبر احمد تشریف میرید از بهبهان کسی را همراه خودتان نبرید من در تابستان شاهد تحرك و نوساری مردم برای منطقه خودشان بودم يك خیر که نمیدانم از کجا سرچشمه گرفته بود که در تقسیمات کشوری بسی استان مرکز آنها را بهبهان در نظر گرفته بودند آنچنان باس و ناامیدی در این مردم بوجود آمده که حدی نداشت و اگر جواب صریح و

قاطع مقام شامخ وزارت دربار شاهنشاهی برای اطمینان خاطر این افراد نبود از آن روز تا امروز يك سنگ روی سنگ نمیگذاشتند فقط این جواب بود که آنها را به عنایات شاهانه دلگرم کرد و دارند با سرعت بجلو میروند بنده از وزارت کشور عرضی نمیکنم نظرشان را فقط باین مسئله جلب میکنم که نیت واقعی رهبر مملکت در سپردن کار مردم بمردم و ایجاد واحدهای انتخابی اجتماعی برای رشد اجتماع ملت ایران اصالت این اقدامات است سر بسته میگویم نمیشکافم وزارت کشور رعایت بکنند که آنچه میکند اصیل باشد چون شاهنشاه مملکت ما این کار را با اصالت کامل میخواهد ما سال گذشته از بعضی کار دستگاه تار عنکبوت دیده ثبت احوال صحبت کردیم جایشان خالی است خانم تربیت اینجا تشریف داشتند بایشان عرض کردم وقتی رونوشت شناسنامه میگیریم توی المثنی منکر زن و فرزند آدم میشوند يك شناسنامه پاك و صاف میدهند و شاید این خودش مأخذ و مبنای يك سلسله دعای در دادگاههای خانوادگی در دادگستری است این اداره مبارکه بعد از دوسال تذکر بشما عرض کنم مزه بدهم بعد از عدم ثبت احوال شخصیه در طول ۲۴ سال گذشته تعصب بخرج ندهد از ۲۴ سال پیش تا بحال احوال شخصیه را ثبت نکرده اند بهمین دلیل شما آقای قوام صدی امتحان کنید يك المثنی بخواهید توی المثنی نه اسم خانمشان را مینویسند نه اسم بچه هایشان و نه تاریخ تولدشان راحت و آسوده اگر اهلش باشید می توانید بروید يك از دواج دیگر بکنید (بکنفر از نمایندگان لابد شما این کار را کردید) برای امتحان قضیه ممکن است حالا این ثبت احوال بجای همه اقدامات اساسی در اجرای این نقص کلی که میشود اسمش را عدم انجام وظیفه گذاشت دارد اسم شیرعلی را عوض میکند آقا به توجه مربوط است که اسمش را میخواهی بگذار شیرعلی نهایت اگر تا امروز خوش نیامد و میخواست عوض بکند میگفتی مجوز قانونی ندارد امروز بدستگاهت اگر اختیار ندارند اختیار بدهید و بگوئید اگر کسانی آمدند و

خواستند اسمشان را عوض کنند موافقت کنید اعتقاد من این است که مذهب در این مردم عمقی دارد و این را اصلاً برای نذر میکنند برای ناگذاری بچه هایشان حالا هر وقت بزرگ شد و با برنامه های دستگاههای روابط اجتماعی ما رشد فکری پیدا کرد این اسامی برایش دمه شد دلش خواست عوض کند من خیلی خوشحالم که مدیر کل جدید که باو هم ارادت دارم این نقص را توجه کرده تا بحال بمردم میگفتند حق نداری اسمت را عوض کنی حالا این اجازه را بدهید که بیایند عوض کنند آقا من دلم میخواهد که اسم شیرعلی باشد اسم کلبعلی باشد شما قیم مردم که نیستید (اسعد رزم آرا - شیرعلی نبوده گرگ علی و کلبعلی بوده) من از خوبی هایشان هم میخواهم حرف بزنم (اسعد رزم آرا - تند حرف بزنید) بدوست عزیز من و برادر محترم خودتان بفرمائید بعضی اسامی است که ملت ایران آنکه تاریخ خودش را خوانده از شنیدن این اسامی متزجر است هر وقت اسامی چنگیز و تیمور را برداشتید شیرعلی را هم بردارید من و شما که قاطی فرنگ رفته ها نیستیم (اسعد رزم آرا - من تمام دنیا را رفته ام) من نرفته ام اگر اسامی خارجی را ترجمه بکنیم اسم های بسیار خوشمزه تویشان هست بنده در اینجا از انقلاب اداری صحبت نمیکنم چون از این مطلب هر چه بگویم بهتر است دوستان ما گفتند صدور فرمان انقلاب اداری بنظر من بیانی است جامع و کامل برخرابی دستگاه اداری نه بر بدی کارمند باز هم بگویم توی دستگاه اداری اگر کارمند را بجای خودش بگذارد و از هر کس مناسبت شخصیت او استفاده کند ضابطه باشد نه رابطه ولی در مواردیکه دوستانشان را میخواهند بکار بگذارند ضابطه ها را ندیده میگیرند آقای قوام صدی شما در وزارت دارائی تشریف داشتید امروز وزیر مسئول کابینه هستید میدانم چه میگویم بکارمند باید شخصیت داد و مسئولیت خواست این شخصیت موقعی است که شما آدم کوچکتر از خودش را بریاست اونگمارید عیب کار در این جاست بروید بگردید به بینید و اگر این اصل را در دستگاههای اداری مملکت رعایت کردید آدم کوچکتر را بریاست آدم متقی تر متخصص تر

فاضلتر با تجربه تر از اونگماردید آن وقت دستگاه اداری شما به نسبت بسیار قابل ملاحظه ای اصلاح خواهد شد (احسن) مادر قبایل مردم و دستگاه دولت وظایفی داریم من می بینم رؤسای بزرگ، وزراء، شخص نخست وزیر این احساس مسئولیت را میکنند ولی به رده های پائین تر که میرسد که البته چون همه کارمندان دولت عضو حزب شما هستند باید بگویم بهم مسلکان طبقه دوم که میرسد نتیجه کار غیر از آن است. شما قبل از انتخابات به اصناف ایران از نظر مالیات وعده ها دادید آنها هم شکر گزارها کردند و بهمین دلیل چند هزار رأی که آقای زهتاب فرمود به آقای عباس میرزائی دادند؟ (حیدر صائبی - به ۵۳۰ هزار رأی آقای عباس میرزائی با این جمعیت تهران شك دارید؟) نه شك نکردم دلش را دارم میگویم شما با اصناف ایران مخصوصاً که اکثرشان در تهران هستند و این را عرض کنم اکثر طبقه اصناف که عملاً عامل توزیع هستند بین عامل تولید و عامل مصرف مردمی هستند مزه منصف قانع این را شهرداری شما باو نگفته چون مسلمان است آن ایمان باطنش ایجاب میکند و باب مکاسب را ملای محل لا اقل بهش گفته است و او در کسبش نه تزویر میکنند نه گرانفروشی نه کمفروشی اما در هر صنفی و طبقه و جماعتی استثناء و اقلیتی هستند که متأسفانه اکثر اینها تعزیه گردان معرکه میشوند چون آدم سالمی که سرش مشغول کارش هست صبح زود میآید در بقالیش را باز میکند بنام خدا و کارش را شروع میکند و برکت را هم از خدا میخواهد در صدمه قیمت نخودی که خریده اضافه میکند و میفرودد این يك سود شرعی است نه گرانفروشی کرده نه خلاف قانون است و شب هم میرود منزلش نمازش را میخواند و از امنیت و آسایشی که دارد شکر گزار است و دعا بجان آن کسی میکند که باید بکند اما يك عده ای هستند که این طبقات اسباب دست آنها هستند و بنام آنها تمام امتیازات را برای خودشان میگیرند و من تا آنجائی که این امتیازات بنفع طبقات ضعیف اعمال بشود میگویم آن گناه باین ثواب پایاپای (آفرین) پیش از انتخابات میگویند ضرائب مالیاتی شما

سنگین است بلمه ما توجه کردیم سازمان اصناف و مأمورین حزب حاکم که آنجا وکیل مدافع اصناف هستند و در این کار چه ها هست وعده میدهند که ما مالیات شما را بر اساس سال ۴۶ میگیریم (دکتر دادفر - این وعده کی داده شده؟) این وعده توی روزنامه ها توی سپاسگزاریه ها و توی تشکرات و اگر برای شما شکی باشد بنده حتی از اقدامات نماینده صنفی شما و رفت و آمدش بوزارت دارائی و در کمیسیونهای مالیاتی و آنچه که انجام داده است البته آنچه را که بنفع طبقه ضعیف است می گویم و بقیه اش رانمی گویم آنوقت وقتی دولت قبول میکند که مالیات اصناف را بر اساس سال ۴۶ بگیرد قانون مترقی که نمیدانم محصول مغز چه کسی است این قانون مترقی مالیات بر درآمد سرنوشت مردم را بيك معیاز و سرمیاز میدهد هر جا خلاف است آقای قوام صدی تکذیب بفرمائید آقای حی تشریف ندارند تا مطلب من را تصدیق کند (دکتر انوشیروانی - اسم نبرید) آنجا که حق دولت پایمال میشود پرونده ای و اعتراضی بمحکمه نمیتواند برود یعنی طبق قانون اگر ممیز و سرممیز بهم اعتراضی نداشتند مؤدی هم که کار بنفعش تمام شده است و یکدهم مالیات را داده اعتراضی ندارد بنابراین هیچ ولی آنجا که مؤدی بعلت ضعف مالی چون در خانه مورثینی طوفان است آنکسی که باید ۲ میلیون تومان مالیات بدهد و صد هزار تومان داده ایرادی ندارد ولی آن کسی که باید ۲۰۰ تومان بدهد و از او هشتصد تومان میخواهند یعنی سرمایه اش را باید ببرند این شخص بکمیسوین شکایت میکند بحکم قانون اگر بیشتر از ۲۰ درصد اختلاف بنفع این آدم رأی بدهد مستوجب تعقیب و بیکار کردن آن ممیز است و تعصبات شغلی راهم شما بهتر میدانید حتی عواطف انسانی را که این طرف ۶۰۰ تومان بيك پینه دوز ظلم شده آن طرف جوان کم تجربه ای اشتباه کرده انحرافی پیدا کرده حالا باید تا آخر دنیا بیکار باشد این حس موجب این است که در دادگاهها در مراحلی که باید رسیدگی بکنند اکثر آخیلی که همت کنند يك ۲۰ درصدی که مشمول جرم نشود تخفیف میدهند این طرز

عمل نسبت به بعضی از صنوف که بحکم پیشرفت صنعتی مملکت باید باین صتوف توجه کرد صحیح نیست آقا ما ناچندسال پیش صنعت کفش ملی ماشینی نداشتیم دکان کفاش ها رونقی داشت آقای اولیاء شما در این کار تخصص دارید انصاف بدهید ، این کار خوبی بوده ایجاد کارخانجات تولید کفش ملی ولی آیا حق هست که ما از کفاش قبل از تأسیس این کارخانه که بدبخت گریه میکند میگوید من تعداد کار گزهایم کم شده ولی يك روز صورت برداری کردند بهمان تعداد از ماحق کار فرما میخواند با وجود کفش ملی ، کفش بلا ، کفش وین اینهایی که با اجازه جنس میفرشند بدهم نیست پیشرفت صنعتی است مثل بیدایش تاکسی که در شگه چی ها را از میدان بدر کرد اینهم يك رشته از صنوف که در کسبشان اضافه بر اینکه رونقی بوجود نیآورده يك مقداری هم رکود ایجاد کرده لازم نیست که در همه جای مملکت رونق باشد معدل رونق ما زیاد است ولی صنفی بنام کفاش صنفی بنام خیاط با تأسیس فروشگاههای بزرگ دوخته دوزیها اینجائهایی که برای افتتاح بجای اینکه پول تبلیغات به روزنامهها و رادیو و تلویزیون بدهند بعضی وزراء و نخست وزیر را دعوت میکنند تا رادیو و تلویزیون و روزنامهها بحکم وظیفه از نخست وزیر مملکت فیلم بگیرند ولی یقیناً بفتح فروشگاه فلان تمام میشود اینها واقعا مردمی اقتصادی هستند از این لحاظ باید بهشان تریک گفت آقای حی تشریف ندارند که مطلب مرا تأیید کنند بنده میخواهم عرض کنم آقای قوام صدوری صنف خیاط مورد يك نجاز فوق العاده مالیاتی قرار گرفته اند و عریضه ای نوشته است سابق و مدارکی ضمیمه اش کرده است بنده آن را تقدیم مقام محترم ریاست میکنم که بکمسیون عریض مراجع شود . این نیت و نیت وزیر دارائی شما نیست میدانید چرا ؟ دیشب همه تان روزنامه اطلاعات را خوانده اید دستور وزیر دارائی را (بکنفران نمایندگان - ما کیهان می خوانیم) این قبیل مطالب توی هردو چاپ میشود چون حق الدرجش را میبرد از اند آقای رزم آراء هم میدانند ، دستور وزیر دارائی است مالیات

را بر اساس مدرک بگیرید نه بخاطر رضایت وزارت دارائی مقاله مفصل است ، دستور مفصل است شدیدترین دستورها را داده که قانون طبقه ضعیف تجاوز نکند شما امروز وزیر مشاورید ولی تا دیروز معاون وزارت دارائی بودید همکار محترم و رئیس من بودید بحکم وظیفه دستور بدهید به احکام خلافی که داده اند و تفسیرهای غلطی که میکنند خاتمه بدهند ما در اینجا قوانین میگذرانیم تفسیر قانون از مختصات مجلس شورای ملی است (صحیح است) این اختیار را که از خودتان سلب نکرده اید آقای معاون وزارت آبادانی و مسکن که بر اساس نیاز اجتماع حکم میکند که صاحب ملکی ملکش را برخلاف میلش بفروشد این برای جناب دادفر نکته قابل توجهی است اجتماع نیاز مندی دارد بر اساس نیاز بحکم قانون مؤسساتی اجازه میدهم که ملک شما را برخلاف رضایت شما بقیمت تقویم شده ای از شما بخرند و شما اگر نفروشد دادستان بجانشینی شما سند را امضا میکند این برای حل خیلی از احتیاجات اجتماعی لازم است اما انصاف قانونگذار برای تصویب این مطلب این بود که معامله ای که بحکم قانون برخلاف میل انجام شده از پرداخت هر گونه مالیات و عوارض معاف است منهای حق ثبت دفتر که ۵ درصدش را خریدار و ۵ درصدش را فروشنده باید بدهد حکم خاص و قطعی و حکمی است که اقل کمک است برای کسیکه شانس نیآورده و زمینش آنور میدان شهیاد قرار نگرفته است که متری دوهزار تومان بفروشد بهر حال زمینش در اجرای طرح مورد مصرف بوده رفته اند از چنین افرادی مالیات میگیرند میدانید چرا يك عضو وزارت دارائی يك افلاطون بخودش اجازه میدهد تفسیر کند قانون صریح را که چون مادر معافیت مالیات بردر آمده که يك قانون بعد از آن است اسمی از این نبردم پس این قانون خاص بخودی خود ملغی است . هر چه باین آقا می گوئید که آقا در اصلاح قانون مالیات بردر آمد جمله قوانین مغایر ملغی است وجود ندارد قبول نمیکند این ناراضی کردن مردم است این عدم توجه بوظیفه است و این کاری است که من از شماها التماس میکنم خواهش میکنم رسیدگی کنید و جبران بکنید بنده وظیفه دارم از

وسایل ارتباط جمعی اعم از تلویزیون و رادیو و مطبوعات غیر منتسب بشما (دولو - یعنی چه ، دیگر مطبوعاتی باقی نمی ماند) شما اطلاعات و کیهان را منتسب بحزب خودتان میدانید ؟ بنظر من آبروی مملکت ما در شرایط کنونی غیر از دو روزنامه مسلکی و سیاسی اطلاعات و کیهان و آیندگان است (اسعد رزم آراء - بقیه هیچ ؟) بقیه هم هستند ولی مثل آنها نیستند (دولو - شما که مطبوعاتی هستید این حرفها را نزنید) من ۱۲ سال روزنامه نوشتم ولی بایستی واقعا عرض کنم که روزنامه های کیهان و اطلاعات و آیندگان صد برابر آن کاری که من کردم میکنند شما کار تخصصی دارید برادر من روزنامه سیاسی با روزنامه هنری و علمی و ادبی و تخصصی جدا است ما مجلات بسیار ارزشی داریم ادبی ، علمی ، هنری .
دولو - متأسفانه تقسیم بندی درستی نمیفرمائید کاریکاتور مجله سیاسی است .

اسعد رزم آراء - شما از راه همان روزنامه خودتان به مجلس راه یافتید چطور تخطئه می کنید ؟

فرهاد پور - من به جوجه من الوجوه بساحت مقدس هیچ روزنامه نویسی که حتی جزئی از اجزاء و وظایف مطبوعاتی را انجام بدهد اهانت نمی کنم و همیشه مورد احترام من بوده اند چون روزنامه نویسی و وظیفه ای است بسیار سنگین ما اگر بگوئیم فلان کس وظیفه اش را بهتر از فلان کس انجام می دهد دلیل این نیست که دیگری انجام نمی دهد من اتفاقاً از مرد مبارز شما که در عین وابستگی بحزب اکثریت انتقاداتی را هم می نویسد خیلی متشکرم (اسعد رزم آراء - باین بیان نفرمودید) چند عبارت و جمله انتقاد دارم که نمی خواهم قرائت بکنم برای اینکه دست شما باز باشد برای ادامه انتقادات چون اگر بخوانم می ترسم دیگر نظیر این مطالب را در روزنامه تان بنینم .

اسعد رزم آراء - این دلیل آزادی در برابر عقیده در حزب ایران نوین است که من عضو حزب اکثریت چیزی می نویسم که مورد تأیید شما ناطق پر حرارت مخالف قرار میگیرد . بهر حال من متأسفم .

فرهاد پور - تعریف از رادیو تلویزیون و اطلاعات و کیهان و آیندگان و پیشرفت نسبی روزنامهها این انتقاد است ؟ (اسعد رزم آراء - این صحیح است که اصلاح فرمودید متشکرم) شما می توانید منکر این بشوید که تحولی را که در روزنامه اطلاعات بوجود آمده واقعا آن روزنامه را يك روزنامه خواندنیش کرده است ؟ (دولو - آن بماربطی ندارد) شما منکر این می شوید که تیراژ روزنامه کیهان معادل مجموع تیراژ سایر روزنامه های غیر از اطلاعات است يك کمی هم بیشتر .

اسعد رزم آراء - شما گفتید دو روزنامه حزبی یعنی راه مردم و ایران نوین حتی روزنامه مهرا بران را که سالها حزب شمارا نگه داشت آن راهم تخطئه کردید این حق شناسی نیست .

فرهاد پور - ما کمال حق شناسی را بر روزنامه مهر ایران داریم برای اینکه میدانید سالهای سال بر اساس تضییقاتی که داشتیم روزنامه منحصر ما مهرا بران بود و تعریف من شامل حال ایشان هم در این دوره می شود بهر حال بنده از توسعه شبکه تلویزیون که بنظر من برنامه هایشان بهتر شده ولی باز هم کمال منظور نیست نهایت تشکر را دارم برای اینکه معتمد مدار بسته تلویزیون که آموزش سمعی و بصری دارد مؤثرترین عامل در سازندگی روحیه ملی است و کمکی است به آموزش و پرورش ما و کمکی است بدانشگاه ما و کمکی است به جناح کارگرمای و کمکی است ب مردم کشاورز ما اما يك توصیه میخواهم عرض کنم مردم مملکت ما که خوشبختانه از شبکه وسیع تلویزیون و رادیو استفاده میکنند بخصوص تلویزیون همه از نظر آداب ملی و اخلاقی و تربیت در يك سطح نیستند آنچه شما برای جوانهای فرنگ رفته و برگشته نشان میدید نمیتوانید بفلان روستا زاده منع کنید که تماشا نکند بنا بر این معتمد در کشوری که در حال جهش است در کشوری که انقلاب اجتماعی کرده است برای سازندگی روح ملی این وظیفه آقای دکتر رهنما است که متأسفانه نوبت هر کدام آقایان که میشود تشریف ندارند (اسعد رزم آراء - و شما هم توجه دارید هر کدام نیستند نوبت را جلو می اندازید و عنوان میفرمائید) داشتن يك

برنامه اساسی مرکب از همکاری تلویزیون رادیو فیلم و سینما آگهی روزنامه و انتشار کاریکاتور و پيس و نمایشنامه و ترانه آهنگ موزیک و روزنامه راه مردم که هر جا از این وظایف کسری دیدند یادآوری کنند لازمه کار ما است که میخواهیم جهش کنیم (اسلامی نیا - جهش کرده ایم) جهش آنچنانی که مامی خواهیم برای شما شاید خدنهائی جهش باشد بله از موسیقی ما تا فیلم ما تا آگهی ما باید هماهنگی داشته باشد برای جهشی که بدر و از هلالی برسیم (اسلامی نیا - با آنجا هم خواهیم رسید) آقای اسلامی نیا محبتی دارند سوابق آشنائی من با ایشان مربوط با امروز و دیروز نیست سالیان متمادی است گاهی اوقات بنده را مشمول عنایت قرار میدهند من هم بهیچ وجه از فرمایشات ایشان نمی رنجم چیز تلخی نمیگویند و همیشه شیرین صحبت میکنند آقای وزیر پست و تلگراف خوشبختانه تشریف دارند بنده از تأخیر در رساندن نامه ها صحبتی نمیکنم خوشبختانه ایرادات و انتقادات چه بوسیله نامه و چه طریق دیگر بخود شما میرسد و در روزنامه ها منعکس می شود طبعاً قسمت روابط عمومی بایک جواب فورمولی که همه روابط عمومی هامیدهند و برای این فورمولها مبالغی حقوق و مزایا دریافت میدارند بآنها جواب خواهند داد ولی شما نامه های هوائی ۲۵ را درصد گران کردید این افزایش قیمت با مطالعه و مذاکره با مشاوران حقوقی تان لابد ضرورتی به کسب اجازه یا قانون با اطلاع مجلس نداشته است حتماً مجوزی داشته اید که گران کردید اما دو تا ایراد دارم شما که گران کردید چه بهتر بود مردم را از این گرانی مطلع میکردید تا صدها پدر و مادر روی نامه های قبلی با کسر تعبیر دو ریال به فرزندانشان نامه نمی نوشتند که این نامه ها نرسد و در نگرانی بسر ببرند شما اگر برای افزایش هزینه پستی بهمان نسبت به انجام وظیفه میافزودید جای گله نبود ۲۵ درصد بقیمت پست هوائی آنها نامه های هوائی که شاید بهترین رابطه بین اولیاء فرزندان ما در خارج هستند افزوده اید که میتواند بیان یک پدر، نصیحت یک پدر، درددل یک مادر را بدست آنها برساند شاید آن معدودی از افرادی که در خارج تحت تأثیر ده ها هزار

پست فرستنده رادیو تلویزیون روزنامه مجله و بابلی کبی که دشمنان وطن ما بین آنها تقسیم میکنند قرار نگیرند این رابطه را با خانواده هایشان قطع کردید این افزایش در این شرایط و باین صورت مگر چقدر برای مملکتی که نزدیک ۴۸ میلیارد تومان در سال در نتیجه زحمت و رهبری شاهنشاه عایدی برای بودجه و خرج دولت تأمین کرده چه تأثیری دارد (صحیح است) میدانید من به شخص شما و روحیه شما بخودتان ارادت دارم روحیه تان را خوب میشناسم کار وزارت پست و تلگراف را هم از زمانهای قبل از شما می شناسم به تفاوتهاش و تغییراتش قلم بطلان نمی کشم و انکار نمی کنم ولی توی همین وزارتخانه شما مایل باشید بشما نشان میدهم صرفه جوئیهای می شود کرد که دو برابر عایدی افزایش تعبیر نامه های هوائی که تنها رابطه بین خانواده ها و فرزندان شان است برای شما ایجاد میکند با برنامه های مترقی که داریم با پیشرفت هائی که تحت رهبری شاهنشاه نصیب ما شده است صدای ما در خاور میانه باید از همه صداها بلندتر باشد آیا این پست دو هزار کیلواتی کار میکند؟ (بلک نفر از نمایندگان - بله کار می کند) کدام يك از آقایان گفتند بله من از وزیر سؤال کردم ما به اهمیت وسائل روابط جمعی واقفیم دشمنان ما در کمین ما حشود به پیشرفتهای ما تنگ نظر نسبت به آنجا که ما رسیده ایم و آنها که در اثر ندانم کاری و برادر کشی عقب ماندند برای ما امواج تبلیغاتی مضر میفرستند (صحیح است) اینها را يك توضیح بدهم حساب برادران مسلمان عرب زبان ما ببلعوضی هیئت های حاکمه و غالب بر اکثریت مردم آن منطقه کاملاً جد است ما حتی برای مردم مسلمان که رنج میبرند دلسوزی داریم برای آنها دعا میکنیم انشاء الله مشیت الهی آنها را از ظلم و ستم مثنی غیر مسلمان بنام بعضی خلاص کند بهر حال من بنام يك ایرانی از شما که مشول محتوی تبلیغات نیستید ولی مشول رساندن و پخش آن هستید و مشول در اختیار گذاردن این لوازم بوزارت اطلاعات هستید این انتظار را دارم که اگر هم خدای نکرده باسم تواقفی که کردید بخواهید بمن بفرمائید که از حدود وظایف وزارت پست و تلگراف مجزا شده اصل مسولیت مشترک

وزراء در حکومت با برنامه های حزبی شما که نمیتواند جواب قانع کننده ای بر عرض من باشد صدای ملت ایران صدای ملتی که از افتخارات اعصار و قرون سرچشمه میگیرد با ندای بشر دوستانه و صلح خواهی رهبر آزاده آن توأم میشود باید قوی ترین، بلندترین صداها باشد تا شاید بشریت غفلت زده بیچاره بجان هم افناده آدم کش را از خواب غفلت بیدار کند و يك بار دیگر ما رسالت تاریخی را که بتمدن بشری داریم انجام بدهیم (احسن است) ما در کشتار بین دو ملت که هنوز شاید ربع قرن از آزادی آنها از چنگال استعمار نگذشته است خون دل میخوریم ما برای برادران مسلمان پاکستانی غم زده هستیم و عزا داریم و آرزو میکنم این ملت برادر مسلمان و سایر ملل استعمار زده آسیا از شر وسوسه ها و تحریکات مثنی استعمارگر که نمی خواهند خاصیت زمان، موقعیت زمانی امروز را درک کنند خلاص بشود و آنچه را که صرف اسلحه و کشت و کشتار میکنند بمصرف عمران و آبادی مملکت خودشان برسانند تا آنها هم مثل ما از موقعیتی چنین آماده برای پیشروی برای جهش و استفاده از مواهب آزادی بحکم آنچه دیدید از دولت حزبی شما چه گفتیم و چه ها خواهیم گفت انشاء الله آنها هم برخوردار بشوند من اینجا يك پرونده دارم تمام مکتباتی است با نخست وزیر و کمیسیونهای که در نخست وزیری تشکیل شده است برای جلوگیری از تجاوز صدها هزار متر از زمینهای وقفی این مملکت، مملکتی که برنامه خنانه سازی دارد و اصل کارش نیاسز بدداشتن زمین است تاریخ مکتبات من بسال ۴۸ میرسد خدارحمت کند برای روحش طلب آموزش میکنم مدیر کل ثبتی بود بنام مرحوم عطار نمایندگم چرا گاهی از اوقات در سرنوشت مقدرات تلخی هست مردی که کمر همت بسته بود تا يك میلیون متر زمین اوقافی را زنده کند و اگر امروز دست ما بجائی بنداست و مانع این شده ایم که این زمین ها بحلقوم متجاوزین فروبرود از اقدامات اوست من از دولت انقلابی و سرعت اعمال دولت برای تصرف مالی که در

اختیار دستگاه دولتی است برای صدور مالکیت این زمین چقدر وقت لازم دارید چون تا من و امثال من زنده باشیم نمیگذاریم این زمینها را بخورند تمام کنند اما بیایید خیال من یکی را راحت کنید سند مالکیت این یکی را بنام اوقاف صادر کنید بدهید و من برای شما از میلیونها متر زمین اوقافی دیگر صحبت خواهم کرد نامه هایش را دارم خوشبختانه چون اصل این نامه ها بعنوان آقای دکتر آزمون است و من ایشان را هنوز نمیتوانم قضاوت بدی برایشان داشته باشم منتظر نتیجه اقدامات مدیر کل جدید معاون جدید نخست وزیر و سرپرست کل اوقاف هستم چون بهر حال برای دوستان لغت مدیر کل کوچک است همه بایستی بمقام رفیع معاونت برسند و ان شاء الله باشایستگی فرد فرزندتان خواهد رسید. عرایض من در مسائل مملکتی که اگر ۸ روز متوالی هم صحبت میکردم تمام نمیشد بشهادت لیدر عزیزم کوتاه کردم (عباس میرزائی - خیر الکلام قل و دل) بله جانم لقمه الصباح مسمار البدن.

عباس میرزائی - من از آقای رئیس مجلس اجازه می گیرم از تمام فیلمبرداری کنند چون دیشب آقای دکتر رئیسی می گفتند دستگاه تلویزیون از آقای دکتر متین عکس برداری می کنند که شب عکس مبارک را تماشا کنید.

فرهاد پور - آقای عباس میرزائی من نه آرتیستم و نه عاشق اینکه در تلویزیون فیلم مرا نشان بدهند بنه را از گوشتان دریابورید حرف مرا گوش کنید (دکتر رئیسی - آقای فرهاد پور بگذارید يك عکس هم از آقای میرزائی بگیرند) (عباس میرزائی - من عباس میرزائی هستم میرزا در مسجد شاه دارنده می نویسد) اما در اصل مطلب با اجازه مقام ریاست بجای اینکه در ماده واحده عرض کنم اینجا عرایضی بسمع مبارک خواهم رساند که نفرمایند در ماده واحده و اصل لایحه صحبتی نشده آنچه بدست من و شما دادند مطرح است متمم بودجه است این متمم يك اصل دارد اصل خود بودجه در این اصل خود بودجه در سال گذشته در خدمت دوستان اکثریتی ساعتها با حضور رئیس محترم دولت وزرا و معاونان نشستیم و بحث کردیم

وصحت کردیم ضمن همه تعریف‌ها و تمجیدها که در برنامه‌ای بودن و بودجه برنامه‌ای که تصور میکنم آنچه دوستان عزیز در ادوار گذشته فرمودند اگر قرائت بفرمائید من بعنوان کوتاهی کلام از بحث در آن باره خودداری میکنم این کمیسیون بودجه که اکثریت مطلق نمایندگان اکثریت بود سه توصیه بدولت کرد چون بهرحال در کمیسویی که اکثریت نمایندگان منصف حزب اکثریت باشد (عباس میرزائی - همه منصف هستیم) منکه انکار نکردم بامن اقلیت راه می‌آیند و مطلب را بعنوان توصیه بدولت توصیه میکنند توصیه کمیسیون بودجه با مقدمه کمیسیون بودجه با آنچه که شما رأی دادید توأمأ در این مجلس مطرح بود و مورد تأیید و تصدیق، به پیشم این توصیه‌ها بکجا رسید در کمیسیون بنده در این متمم هم دیدم که کوچکترین رقمی برای دستگاه دادگستری نگذاشته‌اند دستگاهی که قاضی دیوان عالی کشورش نصف مدیر عامل یک شرکت که اسم نمی‌برم حقوق می‌گیرد ارقام را هم خودتان دارید برای توسعه تشکیلات دادگستری ما همه در بخشها نیازها داریم، دردها داریم و خوشبختانه این وزارتخانه هنوز اینقدر حزبی نشده و طرف مراجعه مردم هست ما گفتیم چرا بودجه بیشتر برای اجرای عدالت جزء وظایف در بودجه نوشته نشده بجان شما با وزیر وقت دادگستری نه حسن رابطه‌ای داشتیم و نه زیاد از او خوشم می‌آمد ولی از دادگستری بمناسبت کمبود بودجه من اقلیت در کمیسیون دفاع کردم یک مطلب خیلی تلخ برخورد کردیم مطلبی که نمایندگان اکثریت را هم تحت تأثیر قرار داد و آن این بود که با شرایط موجود و حقوق فعلی وسایل کار و بنا نداشتن اطاق نظیر اطاق مدیر کل آموزش و پرورش اصفهان برای رئیس دادگستری اصفهان این وزارتخانه قدرت جذب افراد مورد احتیاج و کادر تحصیل کرده را ندارد یعنی معاون محترم آبروزی و وزیر فعلی دادگستری گفت فلانکس اگر بما پول بیشتر هم بدهند لیسانس‌های حقوق کسانیکه برای شرایط کار در دادگستری صلاحیت دارند بدستگاه ما جذب نمیشوند (سمعی - برای اینکه زندگی قضات تأمین نیست) اصل

روز خرابی ندارد مورد استفاده نیست آبریزش کمتر است حتی آشپزخانه هایش هم قفسه‌هایش را کنار گذاشته‌اند میتوانید اطاق بحساب بیاورید اگر از ۷۰۰ تومان کمتر بود بفرمائید همین وزارت تولیدات کشاورزی را که رأی به انحلالش دادید بروید ببینید چقدر اجازه کردند خودشان هم باماهی ۵۴۰۰۰ تومان آمده‌اند اجازه کرده‌اند این حیف و میل است اگر یکماه آن پول رانده‌اند این وزارت پست و تلگراف نامه‌هوائی را گران نمیکرد صرفه جوئی یعنی این توصیه سوم کمیسیون اینها همه به امضای مخابر محترم کمیسیون بودجه دکتر سید یحیی بهبهانی است کمیسیون بودجه بدولت توصیه کرد که بکرات شاهنشاه ما در رفع تبعیض تعلیماتی داده‌اند و او امری صادر فرموده‌اند؛ دستوراتی داده‌اند. در دستگاه فعلی دولت شما کسانی هستند که از طرح حقوق میگیرند و کسانی هستند که از متن بودجه حقوق میگیرند و در یک اطاق هستند پشت دو تا میز روبروی هم نشسته‌اند یکی ۱۰٪ مالیات میدهد و یکی ۴٪ مالیات میدهد آقای دکتر کاشفی اینطور هست یا نه؟ اگر میفرمائید آنها که از طرح حقوق می‌گیرند حقوقهای گزاف میگیرند این یک تبعیض چون هر دو یک کار میکنند چرا حقوق گزاف میگیرند؟ اگر حقوق متعادل میگیرند چرا او بایستی ۱۰٪ مالیات بدهد و این یکی ۴٪ مالیات بدهد این سه توصیه بود که کمیسیون بودجه بدولت کرد انشاء الله میفرمائید در طول چندماه گذشته چه مقدار و تا چه حد از این توصیه‌ها جنبه عملی و اجرائی بخود گرفته است ولی متمم بودجه بنظر من یک اهمیت فوق العاده دارد و آن اینست که مقداری ارقام و اعداد را از پیش بینی بواقعیّت نزدیک میکند یعنی شما پیش بینی فلانقدر درآمد کردید ۸ ماه از سال گذشته عمل ۸ ماهه شما نشان میدهد نزدیکتر به حقیقت شدید پیش بینی فلانقدر خرج کردید بنا بر این دقت در متمم بودجه برای شما که سه ماه دیگر یادو ماه دیگر یا ۵ بهمن میخواهید بودجه کل را رسیدگی کنید و تصویب کنید دقت در این مسأله بسیار مهم است دوستان اکثریت ما در طول ۸ سال گذشته چهار سالش را سعادت داشتیم و شاهد بودم.

از بودجه برنامه‌ای هدفها، فصول، کد، اعتبار، ماده، رقم صحبت کردند اما با دوتا جمله ساده که یکی

را من شخصاً بجتهاتی که عرض میکنم مفید می‌دانم با دو تا جمله ساده تمام این برنامه بهم خورده یعنی میتواند بهم بخورد و این قانون است و قانون اجازه میدهد اگر خاطرتان باشد در ماده واحده بودجه کل کشور همیشه يك عبارت تخصیص اعتبار هست در سال های اخیر عبارت تخصیص اعتبار هست کاریکه در گذشته اداره بودجه وزارت دارائی می‌کرد حالا بحق در اختیار نخست وزیر مسئول مملکت گذاشته شده کاربردی هم نیست این نشان دهنده این است که علاقه بکنترل کار و وزارتخانه‌ها در صرف هزینه‌ها و اولویتها دارند این نشان دهنده این است که اعتبارات نفت زمستان را دیگر در اسفند حواله نمیکند و اعتبار بیخ تابستان را در شهریور نمیفرستند این خوب است اما توی این متمم يك رقم اعتباری برای هزینه‌هاییکه در قبالتش اجازه میدهم هست عبارت است از صرفه جوئیها (شیخ رضائی - مخصوصاً وزارت آموزش و پرورش) صرفه جوئی دونوع است يك دقت در انجام وظیفه انجام يك طرح و رسیدن هدف با قیمت ارزانتر یعنی جلوگیری از ریخت و پاش و ارزانتر تمام کردن يك وظیفه يك طرح يك اقدام يك وقت در بودجه صرفه جوئی عبارتست از حذف يك سلسله کارها از عدم انجام يك سلسله کارها و عدم انجام يك سلسله وظایف از عدم تحقق يك سلسله برنامه‌ها در کمیسیون بودجه به معاون محترم وزارت دارائی که دوست منم هست و بحکم وظیفه باید دفاع کند گفتم یکی از این صرفه جوئیها را بگو گفت وزارت دارائی احتیاج داشت صد نفر دوپست نفر استخدام کند و نکرد بنده با کمال ادب بایشان عرض کردم اگر با عدم استخدام این صد نفر که بر سطح اشتغال میافزاید و بودجه و اجازه دارد و وظیفه را با تم و اکمل انجام دادید چرا اجازه برای استخدام گرفتید و اگر استخدام این صد نفر این صد جوان گذرانده آن کنکور دوسال پیش که پشت در مانده‌اند و هنوز پشت درها نگاه داشته‌اید نشان دهنده این است که يك مقداری از کارها باقی مانده من يك عادت بدی دارم مثل را بیشتر از دوستانم میزنم چون در مورد جاهای دیگر زیاد اطمینان ندارم که مثل بزنم از دوستان

عزیز خواهش میکنم بهمین عذر مرا ببخشند در بودجه کل کشور صفحه ۲۰ ردیف الف نمرة ۷ کسر میشود صرفه جوئی های ضمن اجرای بودجه ۱۹۲۰ میلیون ریال شما که يك دفعه صرفه جوئی شده را برای توازن بودجه استفاده کردید دیگر اینجا در ماده هشتم کدام صرفه جوئی به ضرس قاطع به من میتوانی بگویند که حساب و کتاب دارید و میتوانی بگویند از فلان ماده کم شده و فلان اضافه شده این نوع اضافه و کم کردن که میگویند اصلاح بودجه میتواند بیارید تا يك مقدار خودتان با اجازه دستگاه خرج می کنید و يك مقداری می آورید به کمیسیون بودجه اما شما که تا ماه چهارم سال دیگر حسابتان را نمی توانید بدهید و تا سال آینده لایحه تفریح بودجه شما بحث طول می کشد چه جوئی در آذر ماه برای من حساب صرفه جوئی می کنید این از نظر بودجه نویسی صحیح نیست شما در لایحه متمم بودجه بعد از آنکه بمجلس شورای ملی داده شد تبصره ای اضافه کردید رقم مذکور در تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور به دو هزار میلیون ریال افزایش می یابد من بودجه را نگاه کردم این مربوط است به تعهدات بنادر که در بودجه کل کشور ۴۰ میلیون بوده است ۲۰۰ میلیون تومان شده است ممکن است بفرمائید افزایش این عایدی بستگی به عریضه کارکنان بنادر که می خواهید از کار اخراج کنید ندارد یا مربوط است به حقوق های ۱۲-۱۳ هزار تومانی که از بخش دیگری به بخش دولتی آورید و با این حقوق ۱۲ هزار تومان که میدهد سه هزار تومان اضافه کار ساعتی میدهد شو فر، اتومبیل، و بلا که بهر حال سرفلی شرکتها و مؤسسات دولتی است چیزی نیست زمستان در کنار خلیج فارس سواحل که آب و هوای بسیار خوبی دارد و تابستان از بندر و در شمال در اختیارشان هست حرفی نمیزنیم بحثی نداریم این مدیران تافته جدا بسافته شرکت های دولتی که خونشان از وزیر و معاون و قاضی و مستشار دیوان کشور و وکیل و معلم و کارگر و کشاورز که رنگین تر است همه اینها را بهشان میدهد يك اضافه کاری رقمی بمن گفتند که قابل

تعجب بود که آن رقم را من بخودم اجازه نمیدهم بگویم، ما مقداری از کسر کار وزارت بهداشت صحبت کردیم من همیشه پیش خودم بخودم می گفتم که این وزارتخانه شاید اعتبار کافی در اختیار ندارد که آنقدر بی اهمیت و بدون دلسوزی نسبت به سلامت مردم تحمل می کند بعد در همین متمم بودجه نمیگویم مثل اینکه خواندم تبصره هست که این وزارتخانه آنقدر پول زیادی خرج نکرده داشته که پنجاه میلیون تومان آن را ما بحکم قانون از او میگیریم و يك مصرف بسیار خوب میسرسانیم.

دکتر ناوی - صرفه جوئی است آنها که اسراف است اسراف است اینجا که صرفه جوئی می کنند در نهایت دقت خرج می کنند در نهایت حس باطیب عمل می کنند باز ایراد میگیرید.

رئیس - آقای دکتر ناوی اجازه بدهید حرفشان را بزنند.

فرهاد پور - جناب آقای دکتر ناوی عزیز، من روی ارادتی که دارم يك مطلب عرض کنم در اکثریت مدافعان بسیار خوب مثل آقای عباس میرزائی دارید شما که يك طبیب و دکتر هستید صرفه جوئی در درمان مردم را تجویز نکنید (دکتر ناوی - باز که درمان را فرمودید) مال سالی است که بوده در امر بهداشت را بفرمائید شما طبیب هستید باید بگویند ما برای بهداشت و درمان مملکت اعتبار بیشتر لازم داریم پول را کنار نگذارید ولی امروز بحکم تبصره این پول را از آنها میگیریم به بانک کشاورزی میدهم خیلی خوب است شاید پولی که بمصرف حقیقی و لازم نرسانند اینجا بمصرف لازم برسد بجای بهداشت و درمان انشاء الله آبی تهیه کنیم بذری تهیه کنیم و امی به کشاورزان بدهیم به شرطی که حق عضویت حزبی را قبلاً گرفته باشیم تبصره ۹ چنین است اجازه داده میشود تا مبلغ پانصد میلیون ریال از درآمدهای اختصاصی وزارت بهداشتی به درآمد عمومی منتقل و برای افزایش سرمایه بانک تعاون و کشاورزی ایران مورد استفاده قرار گیرد این فارسی است تبصره هم خوب است من همیشه فکر میکردم که وزارت بهداشتی کسر اعتبار دارد و کسر کار دارد و حالا معلوم شد اضافه اعتبار دارد و کسر کار دارد بگذارید سربسته بگویم و رد بشویم.

اسلامی نیا - توضیح خواستند ما توضیح دادیم.
رئیس - آقای اسلامی نیا اجازه بفرمائید صحبت کنند.
فرهاد پور - از شما توضیح نخواستم سربسته گفتم.

اسلامی نیا - بنده هم گفتم مربوط بآن کار نیست.
فرهاد پور - حرف ریاست را گوش کنید صحبت بین الاثنین بفرمائید.

دکتر الموتی - يك کمی هم شما گوش کنید.
فرهاد پور - تنها در مجلس در مقابل اکثریت عددی شما بی طرفی بی نظری اداره صحیح مقام ریاست است که مورد احترام همه ما هستند (صحیح است) در این متمم يك تبصره ۱۴ هست این تبصره ۱۴ با همه اصلاحاتی که در کمیسیون شد يك اشکالی بوجود میآید تبصره ۱۴ عبارتست از استرداد حق الثبت سفارش کالاهایی که بعد از ورود بصورت ساخته از مملکت خارج میشود حالا این کالاهارا نوشته مواد و قطعات ایراد نگیرید که چرا کالا گفتم.

دکتر عدل - تخصص شما در چه رشته است؟
فرهاد پور - این تبصره لابد از نظر وزارت اقتصاد و از نظر دولت که آورده بسیار خوب است يك مطلب را در آن توجه نکرده وقتی از درمان صحبت میکنم میگویند شیر و خورشید سرخ و هر جاکه شیر و خورشید اعتباری دارد خط می کشند زیر عنوان قانون از این حق الثبت ۱۰٪ بشیر و خورشید ایران پرداخت میشود که میرود هزینه بیمارستان میکنند و پس دادنش را شما می خواهید تصویب کنید آیا، می خواهید از بیماری که غذا خورده پس بگیرد بهر حال دوستان عزیز بحث در متمم بودجه است و بودجه فرصتی است که ما در نهایت حسن نیت و دوستی و علاقه بمملکت تعاطی فکر میکنیم از زاویه های مختلف آن چنانکه رهبر بزرگ مملکت ما تجویز و توصیه فرمودند بنشینیم معایب را بگوئیم نواقص را بررسی کنیم نظرات خودمان را عنوان کنیم آنچه بنظر مفید میرسد صحیح بنظر رسید غیر متعصبانه بپذیریم در راه ترقی و تعالی مملکت بکار بندیم، آنچه

صحیح و منطقی نیست بما بگوئید که این مطلب صحیح نبود ما برخلاف شما از شمانی رنجیم. اما جناب دکتر عدل عزیز هر چه بمن بیاموزید من فرامی گیرم و اگر مطالبی بحضورتان عرض کردم جسته و گریخته مسائل قابل استفاده و یا بی استفاده بود از این تعالیم بوده است (احسن).

۳- تقدیم يك فقره تلگراف بوسیله آقای نیک روش
رئیس - آقای نیک روش بفرمائید.

نیک روش - مقام معظم ریاست. تلگراف تبریکی بمناسبت استقرار نیروهای ارتش شاهنشاهی در سه جزیره ایرانی خلیج فارس از طرف مردم شاهدوست و میهن پرست و مرزدار ایلام و پشتکوه رسیده است که تقدیم میدارم تقاضا مندم مراتب شاهدوستی و میهن پرستی و جانبازی مردم ایلام را بشر فرغرض همایونی معروض دارید. متشکرم

رئیس - اقدام میشود.

۴- ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع بلایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور

رئیس - آقای دکتر دادفر بفرمائید.

دکتر دادفر - بنده امروز بر حسب دستور رئیس محترم فراکسیون مزاحم همکاران عزیز هستم و مطالبی را باستحضار خواهم رساند بعنوان موافق متمم بودجه و سعی خواهم کرد همانطور که عادت من هست و همیشه تند نویسان مجلس که از آنها شرمند هستم بمن تذکر داده اند بوش صحبت کنم تا آنها بتوانند ثبت کنند ولی نه آنقدر بواشر صحبت بکنم که احیاناً مطالب قابل تذکر در يك ساعت بچهار یا پنج ساعت طول بکشد که بالتیجه ما نتوانیم از مطالب همه سخنوران و سخنرانان استفاده کنیم (احسن) يك مطلب را قبلاً عرض کنم و آن اینکه از پنج نفر ناطق محترم اقلیت که در اینجا صحبت کردند و وزارتخانه ها را باتوجه به تخصص خودشان و سابقه کار و اطلاعات خودشان بررسی کردند ناطق محترم اخیراً همکار عزیزم آقای فرهاد پور که همه وزارتخانه ها را از اول تا آخر یکی یکی شمردند فقط شخص ایشان بمدت ۱۵ دقیقه ذر لایحه متمم بودجه

صحت کردند یعنی از دو روز وقتی که صرف بررسی مسائل می کنیم و بحق صرف شد فقط ۱۵ دقیقه بعنوان بحث در متمم بودجه بمعنی اخص مصرف شد اما من بحث را از متمم بودجه شروع می کنم گفت آفتاب آمد دلیل آفتاب بهترین سند افتخار اکثریت و دولت حزبی تقدیم همین لایحه متمم بودجه است (صحیح است) لایحه متمم بودجه یعنی اینکه ملت ایران، من دولت خدمتگزار شما بدون اینکه لایحه و قانون جدیدی برای اضافه درآمد بیاورم و تحصیل مجوز بکنم و بدون اینکه شما از آن چهارچوب قوانینی که مرا در آن محدود کرده اید تخطی کنم در ماه هشتم سال آمدن شما در حدود ۴۷۰ میلیون تومان اضافه درآمد تحویل میدهم اجازه بدهید این اضافه درآمد را که علاوه بر بودجه مصوب پارسال شماست در این موارد خرج کنم پس باین ترتیب خود لایحه متمم بودجه و تقدیم آن از طرف دولت دلیل آفتابی و روشن موافقت من و امثال من و هم مسلکان پاسدار انقلاب از این بودجه است (احسن است) ما بیاد داریم دولتهائی بودند که لایحه می آوردند و در آخر سال با کسر بودجه های فراوان برای اینکه عوام فریبی کنند ارقامی را ردیف میکردند و هرگز بوصولی درآمدها نرسیدند و آن هزینه ها را نمیکردند امروز دولت علاوه بر آن بودجه ۴۸۰ میلیاردی در حدود پنج میلیارد اضافه درآمد نشان میدهند از کجا؟ خواهیم رسید (عباس میرزائی - این را می گویند بحث اصولی) در اینجا بخاطر ارتبساطی که همیشه نمایندگان محترم اقلیت در هر بحث بودجه و متمم بودجه در مجلس مطرح شده همیشه بما بعنوان اینکه هشت سال حکومت کردید چه کردید ما این جواب را هر سال و هر دفعه میدهیم باز در بودجه بعدی میگویند در هشت سال حکومت چه کردید لذا من نکات عمده و مهم و درخشان کارنامه ما را که این لغت شامل میشود به دولت حزبی، فراکسیون حزبی و کلیه افراد حزبی و مردم ایران در چند کلمه عرض میکنم که ما چقدر بگوئیم در هشت سال چه کردیم البته من وارد ارقام و اعداد خیلی دقیق فنی که در بروشور وزارتخانه ها و نشریه اختصاصی

ادارات اطلاعات و انتشارات دستگاهها هست نمیشوم و مثال های عینی میزنم، آقا روزی که انقلاب سفید ایران برهبری رهبر خردمند و بینا و توانای مملکت عنوان شد و ملت به این انقلاب رأی داد هر کسی می دانست و رهبر انقلاب هم باین نکته توجه داشتند که این انقلاب پاسداری می خواهد اگر در انقلاب مشروطیت خونها ریخته شد ستارخان و باقرخانها و مجاهدین راه آزادی جان دادند اما مجلس ایران را فودالها اشغال کردند و بقایای استبداد حکومترا بدست گرفت می دانید چرا چون پاسداری برای اصول مشروطیت در مملکت بوجود نیامد حزبی که از این اصول مقدس حمایت کنند بوجود نیامد باین ترتیب مجالس ما شدند مجالس طبقاتی باین ترتیب آزادی مشروطیت ما شد آزادی مشروطیت سیاسی و این يك اصل عمومی است که آزادی سیاسی بدون آزادی اقتصادی بهره و نتیجه ندارد ملت ایران در شب ۱۴ مرداد که مشروطیت را جشن می گیرد ما يك شبی مثل شب ۲۵ اوت فرانسه در انقلاب مشروطیت نداشتیم تا امتیازات طبقاتی را تعدیل کنیم تا بتوانیم آزادی اقتصادی را بتمام طبقات توسعه بدهیم این کار با انقلاب سفید تکمیل شد (صحیح است) تمام مردم توانستند اصولاً حق رأی آزاد بدست بیاورند ما میدانیم چرا حزب پاسدار انقلاب حزب ایران نوین خوش آمد بعضی هانیست برای اینکه آنها تیکه نمی توانند این پاسداری جدی دقیق اصولی و با حرارت و با انضباط را ببینند نمیتوانند پیشرفت آثار انقلاب را ببینند (احسن است) انقلاب ایران در هر صورت پیشینیانی مردم ایران نیاز مند بود مردمی که رأی داده بودند اما يك بار رأی دادن کافی برای اینکه اصول انقلاب خوب پیاده شود نبود، یکی از آثار بزرگ انقلاب ایران گسترش و توسعه و پیشرفت روز افزون فکر تحزب است ما احزاب مفصلی را هم دیدیم حزب ایران نوین باید معاند داشته باشد و با پیشرفت این حزب مترقی که ملت ایران صادقانه و عاشقانه تا امروز از این حزب طرفداری کرده است دسته هائی مخالف باشند که های سیاسی زیر زمین هائی که معلوم بود و جمع میشدند سیاست بافی میکردند متولیان که در اجتماع میرفتند و هر کدام بادسته خودش امتیازاتی می گرفتند و چه و چه آنها دیگر بسته شد .

اصولاً يك باب علمی را هم بلحاظ اینکه شاید مطالعاتی در آن دارم و نوشته مطالعاتی و تز دکترای من در حقوق سیاسی است عرض میکنم توجه داشته باشیم که خود دمکراسی که بعضی از همکاران محترم نمونه انگلستان آنرا کامل خواندند باین نیست که با وضع و شکل و محتوای فعلی ارائه شده باشد در دنیا و در هر کشور و هر جا با آن شکل و قواعد و ظواهر قابل پیاده کردن باشد باید بدانیم اگر شما میفرمائید که دمکراسی مکتبی است خوب باید ببینید بکدام کشور و کدام دمکراسی، شما که انگلستان را مادر دمکراسی میخوانید باید بگویم این صحیح نیست دلیل بشما بگویم دمکراسی باید در افکار و مغزهای يك اجتماع باشد آن ضوابط ظریف روابط اجتماعی انسانی بوجود بیاید دیشب بنده در همان روزنامه ها که شما بآن استناد میکنید میخواندم که باز در ایرلند چند بمب منفجر شده و چندین نفر از بین رفته اند دمکراسی اگر این است که انگلستان نمی تواند حق اقلیت را بدهد دمکراسی نیست بهر صورت این دمکراسی ۹۰۰ ساله نتوانست يك ملت ۴۰ میلیونی را در يك جزیره از نظر فکر آماده کند که حرف حساب او را گوش کند و نارنجك و بمب بین آنها حکومت نکند شما در فرانسه می بینید که از ۱۷۷۹ تا ۱۹۴۰ این ملت ۱۶ بار قانون اساسی خودش را عوض کرد آخرین بار جمهوری پنجم دو گل است . در صورتیکه ملت آلمان فقط دوبار قانون اساسی را عوض کرد آنها بمعت بلت بروز دو جنگ بود، خوب آن ملت يك نوع نظم و دیسیلین اجتماعی معتقد بود و این يك نوع اینها را که عرض میکنم و مثال میزنم قصد انتقاد از يك کشور و تعریف از کشور دیگر را ندارم میخواهم به آن اصل برسیم که حتی آن دمکراسی که می بینیم ظاهراً در غرب هست و آن آزادی که در شرق ادعا میکنند هست هیچکدام از آنها در هیچ مملکتی با تمام الگوهایش قابل پیاده کردن نیست در مملکت ما حزبی که بوجود آمده این حزب بر مبنای ایرانی بودن، ایرانی فکر کردن، مسائل ایرانی را با فکر و منطق و دانش و بینش فداکاران و سربازان ایرانی حل

کردن در خدمت ایرانی تمام معنی بودن است (احسن است) این هدف ماست. ظاهر آما در اینجا صحبتها را برای همدیگر میکنیم مخاطب بنده نمایندگان محترم هستند اما مخاطب هر وکیل مجلس پشت تریبون ملت ایران و تاریخ ایران است مطالبی که اینجا میگوئیم برای خاطر مردم ایران گفته میشود بنمایندگی از ملت ایران گفته میشود و برای ضبط در تاریخ گفته میشود اگر از ۳۷ نفر نماینده حزب مردم دو سه نفر تشریف دارند ایراد بنده نیست (عباس میرزائی - فقط ۵ نفر هستند) چون علاقمندند حرف بزنند ما بشوئیم ولی بگوش کردن عادت ندارند مخصوصاً رهبر محترم فراکسیون که من بایشان ارادت دارم توجه دارند باین که ما عدلمان کم است خواستم این توجه را به جنابعالی داده باشم (دکتر الموتی - مسلماً توقع دارند ما در جلسه باشیم ما هم حرفی نداریم و هستیم ولی قبل از اینکه این تذکره را به جناب ایشان داده باشید خوب است در جلسه جوابها را گوش کنند حق این است که منطقی ما را هم گوش کنند) قبل از انقلاب وطن پرستان ایرانی در گوشه و کنار بودند در همه جای مملکت بودند و دانش برای وطنشان میسوخت اما چون امکانات اتحاد و اتفاق جمع شدن زیر يك حزب مترقی و با انضباط و تشکیلات را نداشتند مساعی اینها بهدر میرفت احزاب اگر بوجود میآمد با رئیس دولت میآمد با رئیس دولت میرفت با يك متولی بوجود میآمد و با مرگ او از هم میپاشید و اغلب با بعضی از این احزاب همینطور که همکار عزیز من آقای فرهادپور گفتند در خدمت بیگانه بودند متأسفانه و یا با پول و اعتبارات آنها میخریدند اینجا گفته شد که شما از کشاورزان سالی چقدر میگیرند چون گفته شده است باید عرض کنم که از کشاورزان سالی ۶۰ ریال یعنی از هر کشاورز در ماه ۵ ریال حق عضویت میگیریم بیه میگیریم چرا؟ (فرهادپور - با رضایت میدهند؟) برای اینکه این پولها تیکه این کشاورزان میدهند اولاً کشاورزان با کمال میل و اقبال میدهند ثانیاً این پولها را کشاورز امروز میداند که يك تشکیلات سیاسی مملکتی که او عضو است مدافع حقوق اوست در این مجلس دیگر امکان داده

نخواهد شد که دیگر قانونی بر علیه مصالح طبقه کشاورز و کارگر دو بازوی نیرومند حزب ما بگذرد (احسن). البته این کشاورز باید احساس کند که چرا این ۵ ریال رامی دهد در ماه و این ۵ ریال را بچه مناسبت می دهد حزبی هست این حزب که من عضو ش هستم هدفش اینست که پاسدار انقلاب است سربازان صمیمی شاه و وطن است من باید این پول را بدهم از این حزب پاسداری و حمایت کنم این تذکری است اما چه می شود و این پول بچه مصرف می رسد آقای فرهاد پور بموجب آمار ازمین و جوه ۴ میلیون تومان ۵۵۸ خانه روستائی فرهنگی برای همان کشاورزان ساخته اند (دکتر الموتی - اصلاً بگوئید برای روستائیان چندر این خانه ها لازم است) آيا شما باز معتقدید که هزینه تشکیلات و حزب ما را مثل ایام قبل از انقلاب و قدیمی تر از آن باز اینورها و آنورها می چرخانید ملت ایران هزینه اش را می دهد افتخار حزب ما است من وکیل حزبی هستم از من هر ماه بطور مرتب ۱۵۰۰ ریال حق عضویت می گیرند از تمام اعضای حزب می گیرند آنها هم می دهند برای اینکه معتقدند این تشکیلات سیاسی همانطور که رهبر عالیقدر مملکت فرمودند وارثان سیاسی این کشور هستند ملت ایران وراثت سیاسی عظیم شاهنشاهی ایران را بعهده دارد مایباید این ملت را به هدف برسانیم (احسن) (عباس میرزائی - همه اصناف می دهند همه کشاورزان و همه می دهند) اینهمه گلهها و اینهمه تظاهراتی که انجام می شود اینها را مردم خودشان هم در هزینه اش و هم در تشکیلاتش شرکت می کنند این افتخار ما است بما نصیحت کرد آقای فرهاد پور که کارمندان اداری در شهرستانها و در تهران عضو کمیته نباشند، چرا، من نمی دانم؟ چرا برای خود آقای فرهاد پور که کارمند دولت بودند و در سیاست دخالت کردند و بر کرسی مجلس نشستند خوب است اما برای کارمندان دولت که طبقه روشنفکر و تحصیل کرده و زحمتکش این مملکت هستند خوب نیست کارمند دولت مگر جزء آحادی از این ملت نیست مگر نباید در امور سیاسی دخالت کند و در

سرنوشت مملکت سهیم باشد چرا عضو کمیته نباشد بله کارمندان دولت هم عضو حزب ما هستند کلیه طبقات عضو حزب ما هستند بنده خواستم در این مورد فقط باستحضارشان برسانم که يك کسی بکسی دیگر گفت آقا من بشما ۳۰ سال درس می دهم و گفت تودادی من چرا بخوانم؟ این نصیحت را تو کردی من چرا گوش کنم بقول معروف... سرخود دوانمودی، بنده قبلش را نمی گویم اگر طبابت بلدید حزب خودتان را درست کنید، تشکیلات بدهید از غیر کارمندان دولت هم داریم کشاورز داریم کارگر داریم و تمام طبقات اجتماع، اصناف و روشنفکر و نماینده هم داریم و در صفوف فرشته حزب ما برای پاسداری اصول مقدس انقلاب فداکاری می کنند (صحیح است) بیاید آقا حوزه های ما را ببینید من در اینجا بعنوان يك فرد حزبی برای اطاعت از دستور حزبی آمدم و بخدا علاقه نداشتم در لحظه ای هستم که عزیزترین فرد من زبر عمل جراحی است چرا آمدم اینجا؟ وظیفه حزبی ایمان و اعتقاد داریم که این پرچم مقدس این پرچم انقلاب این پرچم صمیمیت و سربازی و جانبازی ایران ما را باید برساند آنجا که در تاریخ بودیم و آن دروازه بزرگ تمدن است که شاهنشاه گفتند (احسن) در اینجا راجع بانشارات تلویزیون اشاره شد که تلویزیون مجله تماشا منتشر میکند و رقابت میکند با مجلات و در آنجا برای مجله تماشا تبلیغات میکند بنده تعجب می کنم اگر تصادفاً يك سازمانی را که دیگر مخالفین تأیید کردند از فعالیت او از پیشرفت او که مافوق برنامه که نوشته شده شکی و تردیدی نیست این سازمان رادیو و تلویزیون است (صحیح است) در سال ۱۳۴۶ این را می گویم در سال ۱۳۴۶ مافقط دو فرستنده تلویزیون داشتیم در ایران با قدرت ۱۲ کیلووات اگر اشتباه نکنم چون خیلی فنی نیستم و حالا که در خدمت شما صحبت می کنم ۲۵ فرستنده تلویزیون در سراسر ایران داریم که ۱۰ میلیون نفر از مردم مملکت می توانند در این دقیقه از برنامه تلویزیون استفاده کنند یعنی بطور خلاصه ۳۰٪ کارهای رادیو

دانش سیاسی مردم پیش برود معلومات سیاسی و فرهنگی مردم بیشتر بشود یکی از معنی های اساسی تلویزیون اینست که اطلاعات عمومی مردم را بالا ببرد و حقاً تلویزیون در این مدت نه تنها از نظر مادی و از نظر فیزیکی پیشرفت کرده از لحاظ معنی هم پیشرفت عجیبی کرده خود شما از تلویزیون در انتقاد از برنامه ما و دولت ما و حزب ما بیشتر از ما استفاده کردید این بطرفی و بی نظری این استقلال اداری از يك دستگاه بیش از این ما چه می خواهیم ۲۵ فرستنده در سه سال افتتاح کردن آجر و سنگ را میشود روی هم گذاشت ولی این متخصص فیلم بردار و نویسنده و هزار چیز دیگر میخواهد این افراد را تربیت کردن میخواهد و این وظیفه را تلویزیون ایران و رادیو ایران انجام داده است.

رئیس - آقای دکتر دادفر از صحبتتان زیاد مانده است؟

دکتر دادفر - تقریباً.

۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - خواهش میکنم بقیه را در جلسه بعد از ظهر بفرمائید. با اجازه خانمها آقایان جلسه امروز صبح را ختم میکنیم جلسه آینده به ساعت ۴ بعد از ظهر امروز موکول میشود و دستور جلسه ادامه بحث در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به متمم بودجه سال ۱۳۵۱ کل کشور میباشد.

(یکساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

تلویزیون از آنچه که در برنامه چهارم برایش مقرر شده بود پیش افزوده این دستگاه باین عظمت برای شناساندن برنامه های خودش خوانندگان و هنرمندان و اجرا کنندگان و پیس نویسان خودش برای ارتباط با بینندگان خودش مثل هر دستگاه تلویزیون موجود در دنیا باید نشریه ای داشته باشد آقا که بنده می خواهم بدانم فردا شب تلویزیون اهواز چه برنامه ای دارد بکجا مراجعه کنم باید مجله تماشا باشد که رابط بین این دستگاه عظیم تبلیغاتی و انتشاراتی و فرهنگی با بینندگان خودش و تماشاگران خودش باشد حالا مایبائیم بگوئیم تلویزیون میخواهد مجله منتشر بکند با مجلات دیگر رقابت میکند اگر بکند چه بهتر دستگاهی است سازمانی است مجله ای منتشر میکند خواننده هم دارد من خیلی خوشوقت هستم از اینکه یکی از این مجلات تماشا را پسر من با پول هفتگی خودش میخرد و استفاده میکند برای اینکه می بیند بسیار مفید است اما معنی تلویزیون تنها این نیست که فقط تصویری آنجا نشان بدهد و مردم را سرگرم کند نقش اساسی تلویزیون مبارزه با بیسوادی است سواد بمعنای الفبائی که مثلاً در کلاس یاد میگیریم نیست سواد بمعنی داشتن اطلاعات عمومی و وقوف بر جریانات سیاسی و مملکتی و اقتصادی و معاشی و وطن است این سواد را از هر طریق که ما بتوانیم پیش ببریم باید پیش ببریم کما اینکه بحث در حوزه های احزاب چه مال شما اقلیت چه مال ما حزب اکثریت برای الف و ب یاد دادن یا تاریخ یاد دادن نیست برای این منظور است که